

پایان تاریخ:
مرگ آخرین انسان

گفتگویی با "بن اگری"
نویسنده اهل نیجریه

در صفحه ۶

رئیس کل بانک مرکزی:

تا پایان
سال ۲۰۰۶ میلادی

بدهی خارجی ایران
۱۸ میلیارد دلار

است!

در صفحه ۵

یاد
رفیق مؤذنی پور

گرامی باد
در صفحه ۲

بر اساس آخرین تصمیم کمیته تنظیم بازار ارز
معاملات خارجی زیر کنترل دولت قرار گرفت

- بدلیل تنگنای شدید ارزی، واردات محدود می شود و وزیر کنترل دولت قرار می گیرد
- کمبود ناشی از کاهش واردات به گرانتری بیشتر دامن خواهد زد
- بهای ارزهای خارجی به میزان زیادی کاهش یافت

بنا به تازه ترین تصمیم کمیته تنظیم بازار ارز که جمعه هفته گذشته اتخاذ گردید، معاملات خارجی تماماً تحت کنترل دولت قرار گرفت و هرگونه واردات کالا که قبلاً در وزارت بازرگانی ثبت سفارش نشده و

آن صادرات صورت گرفته و ارز حاصل از آن وارد شبکه بانکی کشور شده باشد. آخرین تصمیم کمیته تنظیم بازار ارز پس از آن اتخاذ گردید که دولت در کنترل بازار آزاد ارز عملاً ناتوان ماند و تصمیم یک ماه پیش کمیته تنظیم بازار ارزی بر فروش ارز مورد نیاز وارد کنندگان کالا از طریق بانک مرکزی، به نرخ ۵۰۰ ریال کمتر از بازار آزاد، نتوانست تأثیری در منهار

ادامه در صفحه ۲



بازار بورس تهران - هنوز رونق سیاست خصوصی سازی را ندیده، دچار رکود سیاست دولتی سازی مجدد شده است

انگلیس و جمهوری اسلامی
دود پیلماست یکدیگر را اخراج کردند

طی دو هفته گذشته بار دیگر تشنج در روابط بین تهران و لندن بالا گرفت. ابتدا وزارت خارجه انگلیس حکم اخراج یک کارمند عالی رتبه سفارت جمهوری اسلامی را بدون اعلام رسمی دلیل به کاردار ایران غلامرضا انصاری تسلیم کرد. حتی نام فرد اخراج شده هم اعلام نشد و فقط چند روز بعد زمانی که تهران دست به عمل متقابل زد و همیش کاول معاون هیات نمایندگی

انگلیس در تهران را اخراج کرد دولت انگلیس اعلام کرد که علت اخراج آقای وحید بلورچی دبیر اول سفارت جمهوری اسلامی در لندن آن بوده است که شخص نامبرده در جعل امضای وزیر خارجه انگلیس دست داشته است. انگلیس می گوید وحید بلورچی در جعل نامه ای دست داشته که به روحانیون بوسنیایی که به لندن آمده بودند داده شده که نشان کاول معاون هیات نمایندگی

جنگ برادر کشی در کردستان عراق
بیش از ۵۰۰ کشته بر جای گذاشت

جمهوری اسلامی به جنگ و خصومت در کردستان عراق دامن می زند

حزب سوسیالیست کردستان و از همه مهمتر دولت ایران از حزب دمکرات و مسعود بارزانی حمایت می کنند. جلال طالبانی در دمشق مانده و عملاً کنترل خود را بر افراد و فرماندهانش از دست داده است. رهبری جنگ اتحادیه میهنی در دست جبار فرمان وزیر دفاع کردستان خود مختار در حکومت اربیل است. در اثر جنگ اکثر مناطق تحت کنترل طالبانی از دست اتحادیه به

برادر کشی در کردستان عراق از روز اول ماه مه وقتی آغاز شد که یکی از مقامات حزب دموکرات کردستان عراق (بارزانی ها) با گروه همراه خود به حلبچه که تحت کنترل اتحادیه میهنی (طرفداران طالبانی) است رفت تا اجاره ای دکانی را که در آنجا داشت وصول کند. عوامل اتحادیه میهنی وی و همراهانش را به قتل رساندند. بارزانی ها دست به انتقام زدند و جنگ همه جا گیر شد. حزب اسلامی شیخ عثمان ز

تظاهرات دانشجویان ادامه دارد

همزمان با تظاهرات دانشجویان دانشگاه آزاد، تظاهرات دیگری روز سوم خرداد از سوی دانشجویان دوره سیزدهم تربیت مدرس در مقابله ساختمان مرکزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی برپا شد. هدف تظاهرات دانشجویان تربیت مدرس، اعتراض به عدم صدور حکم بورسیه از سوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی بود. بنا به اظهارات نمایندگان دانشجویان به موجب اساسنامه دانشگاه تربیت مدرس، وزارت فرهنگ و آموزش عالی متعهد شده است دانشجویی پذیرفته شده در این دانشگاه بعد از ثبت نام بورسیه دولت باشد و مقرری ماهانه دریافت کند. تلاش دانشجویان از دو ترم گذشته پی پاسخ مانده و وزارت فرهنگ و آموزش عالی علت عدم بایبندی به تعهداتش را عدم تأمین بودجه لازم عنوان کرده است.

اعتراضات و ناآرامی های دانشگاه های کشور که از اوائل اردیبهشت ماه آغاز شده، با تظاهرات دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه تربیت مدرس ادامه یافت. دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکزی تهران در اعتراض به تغییرات غیر مترقیه نحوه پرداخت شهریه ترم تابستانی و کلاس های درس را تعطیل کردند و در محل مرکزی این دانشگاه در تهران دست به تظاهرات زدند. اعتراض جمعی دانشجویان در پی انتشار بخشنامه ای مبنی بر محاسبه شهریه و احدهای درسی تابستانی، طبق شهریه مصوب سال ۷۲ صورت گرفت. به گفته دانشجویان بر اساس بخشنامه جدید، شهریه واحدهای نظری و عملی دانشجویان ورودی سالهای پیش نیز طبق شهریه سال ۷۲ محاسبه و اخذ می شود که میزان آن بیش از ۵۰۰ هزار تومان برای ترم کوتاه تابستانی خواهد بود. کسی که قادر به پرداخت این شهریه نباشد و نتواند در تابستان واحد درسی بگذراند، ۶ ماه دیرتر از آنانی که ثبت نام کرده اند، فارغ التحصیل خواهد شد. مسئولان دانشگاه در قبال اعتراض دانشجویان می گویند هر کسی نمی خواهد شهریه ثبت نام را بپردازد از انتخاب واحد در ترم تابستانی صرف نظر کند.

فشار رژیم از یکسو و کمبود امکانات آموزشی از سوی دیگر دانشجویان را عاصی کرده و جان نشان را به لب رسانده است. بطوراسمی ۵۰۰ هزار دانشجویان در دانشگاه های کشور ثبت نام کرده اند اما امکانات واقعی دانشگاه ها حتی برای ۲۰۰ هزار دانشجویان ناکافی است. رشد قارچ گونه مراکز آموزشی که دانشگاه نامیده شده اند، طی چند سال گذشته

در این شماره

خوب و بد عصر اطلاعات	در صفحه ۷
راه دشوار افریقای جنوبی	در صفحه ۹
بارد دیگر از باورها - ۸	در صفحه ۸

خامنه ای: معترضین را سرکوب کنید!

سید علی خامنه ای رهبر حکومت اسلامی در دیدارهایی که طی دو هفته اخیر با نمایندگان مجلس و مسئولان رژیم داشت بر تشدید سختگیری علیه معترضین و اجرای مقررات اسلامی تأکید کرد. خامنه ای هم در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی که به مناسبت انتخاب هیات رئیسه مجلس در بیست و یکم اردیبهشت و هم در نشست با رئیس و معاونان دانشگاه آزاد اسلامی و روسای واحدهای این دانشگاه در سراسر کشور تأکید کرد حکومت اسلامی حتی نق خودی ها را هم نباید تحمل کند. وی از هیات رئیسه مجلس به ریاست ناطق نوری خواست نمایندگان را که خلاف مصالح رژیم اظهار نظر می کنند، از مجلس طرد کنند.

دیدار خامنه ای با مسئولان دانشگاه آزاد اسلامی بیانه ای بود که در رژیم اعتراضات را چون گذشته سرکوب خواهد کرد. خامنه ای خطاب به رئیس و معاونان دانشگاه گفت: فضای دانشگاه آزاد باید از معرض افکار مسموم و ضد اسلامی مصون بماند و مدیریت این دانشگاه خصوصی حق دارد که مانع اظهار هر گونه سخنی علیه ارزشهای اسلامی و انقلابی در محیط آموزشی و تحقیقی خود بشود.

محمد حسین ختنی کماکان در بند است

کامل به قوانین بین المللی و حتی قوانین خود جمهوری اسلامی اقدام به بازداشت و حبس مخالفین خود می کند و آن ها را تحت شدیدترین فشارها و شکنجه های روحی و جسمی قرار می دهد. ما همراه با محکوم کردن دگرباره سیاستهای آزادی ستیزانه و سرکوبگرانه جمهوری اسلامی و تاکید مجدد بر ضرورت قطع فشار بر دگراندیشان و رفع تضعیقات و فشارهای وارده بر آنان اقدامات غیر انسانی و غیر قانونی رژیم در رابطه با آقای محمد حسین ختنی را محکوم می کنیم و خواستار آزادی وی هستیم.

بیش از پنج هفته از دستگیری محمد حسین ختنی از فعالین حزب ملت ایران می گذرد. در این مدت مقامات رژیم از هر گونه تماس این بازرگان بازداشت شده با خارج از زندان خودداری کرده اند. حتی خانواده و وکیل وی از دیدار با او باز داشته شده اند. گفته می شود آقای ختنی که از بیماری کلیه و نیز ورم غده پروستات رنج می برد، در زندان های رژیم اسلامی تحت شکنجه های شدید روحی و جسمی قرار گرفته و وضع جسمی اش رویه وخامت بیشتر گذاشته است، به گونه ای که خطر مرگ جان وی را تهدید می کند. این نخستین بار نیست که رژیم اسلامی حاکم بر ایران بابت توجیهی

فرجام تلخ تک نرخی کردن ارز

علل و پیامدها

با اعلام تصمیمات جدید ارزی، سیاستهای یکساله اخیر اقتصادی دولت رفسنجانی بطور کامل شکست خورد. بر اساس این تصمیمات، واردات تحت کنترل شدید دولت قرار گرفت، بازار ارزی انحصار کامل بانک مرکزی درآمد و تقاضا برای ارز در بازار آزاد کاهش یافت. تدابیر جدید موجب شد که نرخ ارزهای خارجی کاهش یابد. این سومین باری است که از زمان اتخاذ سیاست یکسان سازی نرخ ارز و طی یکسال و سه ماه گذشته، دولت به مقابله با بازار ارز شتافته و سیاست های کنترلی را به اجرا گذاشته است. پیش از این آئین نامه هایی در مورد خرید های خارجی توسط کمیته تنظیم بازار ارز تدوین شده و چندین دلال و صراف نیز به اتهام "اخلال در بازار آزاد" دستگیر شده بودند.

آنچه رژیم را به اتخاذ سیاستهای تازه واداشت، ناکامی های پی در پی اقتصادی بود. کاهش قیمت نفت، بدهی ۳۰ میلیارد دلاری و سرسید بخش عمده ای از آن و واردات بی حد و حساب منابع ارزی کشور را بشدت کاهش داد و رژیم اسلامی نتوانست به تقاضای بازار ارز پاسخ مثبت دهد. متقاضیان عمدتاً ارز یعنی واحدهای تولیدی، سازمان های دولتی و تجاری به بازار آزاد ارزی آورده و با افزایش تقاضا نرخ ارز به شدت افزایش یافت. با وجود آنکه دولت چندین بار از ارزش ریال کاست و ارزش نرخ شتا و ربا بالا برد ولی تفاوت بین نرخ ارز شتا و نرخ بازار آزاد تا ۱۰۰ تومان رسید.

اجرای آئین نامه های کنترل کننده قبلی کمیته تنظیم ارز نیز دوام نیافت. این تصمیمات به رکود اقتصادی دامن زد. فشارهای ناشی از رکود اقتصادی در واحدهای تولیدی و همچنین نیاز جامعه به برخی کالاها، دولت را وادار کرد که ورود برخی کالاها را بدون انتقال ارز از طریق سیستم بانکی آزاد اعلام کند. بهمین دلیل دوباره قیمت ارز در بازار آزاد افزایش یافت. این بار نیز این قضیه تکرار شده است. اما تصمیمات شدید تراست و همزمان با آن وزارت بازرگانی به نرخ گذاری برخی کالاها اقدام کرده است.

تدابیر اخیر مغایرت تام و تمام با سیاست های رسمی دولت یعنی تعدیل اقتصادی، آزاد سازی و تک نرخی کردن ارز دارد. مطابق این سیاستها قرار بود نرخ ارز را نه دولت، بلکه عرضه و تقاضا تعیین کند. سیاست تک نرخی کردن ارز بدون تدابیر لازم و بدون پشتوانه کافی ارزی اتخاذ گردید. این سیاست می توانست با اتخاذ تدابیر ضروری به نتایج مثبتی بیانجامد. مسئولان حکومتی که تا چندی پیش سیاست تک نرخی کردن را بعنوان "جرایح بزرگ اقتصادی"، "انقلاب اقتصادی" و "نقطه عطفی در تاریخ اقتصاد ایران تلقی می کردند. هنوز نگفته اند که چرا در مدتی کوتاه مجبور به اتخاذ سیاستهای کاملاً وارونه شده اند.

تصمیمات کمیته تنظیم بازار ارز هر چند می تواند در کوتاه مدت

ادامه در صفحه ۲

شکست دو گانه ی رژیم

عدم برگزاری مراسم براهت از مشرکین شکست دو گانه ای را برای رژیم جمهوری اسلامی به بار آورد. چه از طرفی رژیم مجبور شد با واماندگی تمام ادعاهای قبلی خود را مبنی بر اینکه به هر قیمتی علیرغم ممنوعیت، این مراسم را برپا خواهد کرد، پس بگیرد و با لغو مراسم اعتبار خویش را پیش از پیش از دست دهد و از طرف دیگر تیره تر شدن روابط دیپلماتیک خود را با عربستان سعودی که به دلایل عدیده به عادی بودن آن نیاز دارد، به جان بخرد. قبل از آغاز مراسم حج، خامنه ای پشتگرم از آن که در سالهای گذشته رژیم عربستان سعودی بنا به ملاحظاتی به حجاج ایرانی اجازه داده بود در محدوده ای معینی دوران چشم دیگران مراسمی را برگزار کنند، قصد داشت با پیش تر گذاشته به شیوه ی خمینی حج امسال را "انقلابی" و مراسم "براهت از مشرکین" را بطور گسترده برگزار کند. خامنه ای و اطرافیانش حتی تلویحاً دولت و وزارت خارجه را منتهم کردند که بخاطر رعایت ملاحظات دیپلماتیک از وظائف شرعی خویش عدول کرده اند. به این ترتیب شکست خامنه ای و دستیارانش با این ارزیابی که امسال شرایط لازم برای برگزاری مراسم دلخواه آنان فراهم است، کارزار تبلیغاتی وسیعی را با این مضمون که "براهت از مشرکین یک وظیفه ی شرعی و دینی است و به این خاطر حتماً در صورت ممانعت عربستان سعودی آنرا برگزار خواهند نمود، آغاز کردند. اما مسیر حوادث نشان داد که ارزیابی خامنه ای از اوضاع به واقعیت نزدیک نبوده است. رژیم سعودی بر خلاف سالهای گذشته که حاضر بود تا حدی از خود حلاکت نشان دهد

یادداشت

عمر مجلس چهارم به نیمه رسید

چهارمین دوره ی مجلس شورای اسلامی نیمی از عمر چهار ساله ی خود را پشت سر گذراند و سومین سال فعالیت خود را با انتخابات هیأت رئیسه و در انتظار انتخابات میان دوره ای آغاز کرد. شروع کار مجلس چهارم را میتوان به تعبیری نقطه ی عطفی در حیات ۱۴ ساله ی مجلس شورای اسلامی دانست چرا که این مجلس در جریان تصفیه حساب قطعی و تعیین کننده با جناح تندروی "خط امامی" حکومت که در سه مجلس پیشین اکثریت را در دست داشت شکل گرفت. در روند انتخابات مجلس چهارم صلاحیت انتخابی افراد زیادی از چهره های سرشناس جناح تندرو از جمله تعدادی از نمایندگان مجلس سوم مورد تأیید قرار گرفت و از میان آنان کسی که از این سد گذشته بودند تعداد زیادی از جمله رئیس مجلس پیشین در انتخابات پیروز شدند.

اتلاف حاکم خامنه ای و رفسنجانی و رسالتی های داخل حکومت در آن زمان، در اوج محبوبیت رفسنجانی، در اولین انتخابات مجلس پس از مرگ خمینی با استفاده از اهرم قدرت در وزارت کشور کوشیدند که مجلس یکدست و گوش به فرمان دولت داشته باشند تا بدون دغدغه سیاست ها و برنامه های دولت تصویب و اجرا شود. رفسنجانی در زمان افتتاح مجلس بجای آنکه منتظر تعیین تکلیف مجلس برای او و کابینه اش باشد، خود را اسباب برای مجلس تکلیف معین کرد و اصلاح برنامه ی پنجساله ی اول و تصویب برنامه ی پنجساله ی دوم را مهمترین وظایف مجلس چهارم دانست.

پیروزی ائتلاف حاکم خامنه ای و رفسنجانی و جناح رسالت در حاکمیت و بیرون راندن تندروان از آخرین سنگرمهم خود طبعاً تشدید تضادهای بین پیروزمندان را آستین بود. رسالتی ها که در مجلس جدید اکثریت را بدست آوردند با نزدیک شدن بیشتر به خامنه ای و با گروه گذاشتن در شکاف موجود میان خامنه ای و رفسنجانی روند تثبیت خامنه ای به عنوان رهبر و قدرت فائقه را سرعت بخشیدند. نا کامی های دولت در دستیابی به اهداف پیش بینی شده در برنامه ی پنجساله ی اول و دیگر اشتباهات آن، یاری دهنده ی رسالتی ها در این زمینه بود. در جریان انتخابات ریاست جمهوری در سال گذشته و تعیین کابینه ی جدید توسط رفسنجانی، رسالتی ها به پشتوانه ی اکثریتشان در مجلس توانستند خواست های خود را تا حد زیادی به رفسنجانی تحمیل کنند و باعث شدند که وی نتواند همفراز افراد مورد نظرش راه به دست وزارت بگیرد. تضاد بین مجلس و دولت پس از زوری کار آمدن دولت جدید نیز تنها تفاوت نیافت بلکه بیشتر شد. خامنه ای پشتگرم از اکثریت مجلس بدون آنکه به رفسنجانی و قوی بگذارد چند وزیر کابینه ی او را جابجا کرد. مجلس نیز احتمالاً بزودی طرح استیضاح یک و شاید دو وزیر را در دستور کار قرار دهد. مجلس در صدد است که اختیار قیمت گذاری و افزایش قیمت ها را از شورای عالی اقتصاد و دولت به خود منتقل کند و کمیسیون های داخلی مجلس بجای آنکه به وظیفه ی اصلی خود که همانا تهیه پیش نویس قوانین و بررسی طرح ها و لوایح مطروحه در مجلس می باشد، بپردازند در امور زیر و درستی اجرای دخالت می کنند و اکثریت مجلس خود را آماده می کند که علاوه بر قوه ی مقننه، حال که اختیار دولت را در حد مورد انتظارش در دست ندارد بخشی از قدرت اجرایی را در دست گیرد.

معاملات خارجی زیر کنترل ...

افزایش روز بروز بهای ارزهای خارجی داشته باشد. چنانکه در فاصله یک ماه گذشته نرخ هر دلار آمریکا در بازار آزاد به بالای ۲۹۰ تومان رسیده بود. این افزایش نرخ ارزها مستقیماً در افزایش بهای کالاها و خدمات مصرفی مردم تأثیر داشت و تولید کنندگان و فروشندگان کالا و واردکنندگان خدمات، چه دولتی و چه خصوصی، همبای افزایش بهای ارزهای خارجی، نرخ اجناس خود را بالا می بردند.

در اطلاعاتی که پس از آخرین نشست کمیته تنظیم بازار ارز از سوی بانک مرکزی انتشار یافت، تصمیمات این کمیته در ۱۴ بند اعلام شده است. در این اطلاعات از جمله آمده است: "به منظور تنظیم جریان معاملات خارجی کشور از تاریخ ۳/۳/۷۳ کلیه واردات کالا منحصراً از طریق شبکه بانکی کشور انجام می شود و ترخیص کالا از گمرکات منوط به ارائه گواهی تأمین ارز از طریق سیستم بانکی کشور خواهد بود. بنا به این اطلاعیه همچنین کلیه سفارشات های انجام شده در سال ۱۳۷۲ که معاملات خود را از طریق شبکه بانکی انجام نداده اند و کالای آنها به کشور وارد

یادرفیق مؤذنی پور گرامی باد



ده سال پیش در این روزها رفیق قربانعلی مؤذنی پور به شهادت رسید. قربانعلی مؤذنی پور که در سازمان به احمد شیراز معروف بود در خانواده ای سمنانی دیده بر جهان گشود. در ۱۹ سالگی به دانشگاه صنعتی تهران راه یافت. پس از مدتی کوتاه در سال ۵۳ به عضویت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران درآمد. مسئول وی رفیق جان باخته فدائی بهمن روحی آهنگران بود. رفیق مؤذنی پور در ۲۵ تیر ۵۴ دستگیر شد و تحت شدیدترین شکنجه ها قرار گرفت. آثار شکنجه های دژ خیمان رژیم مستبد تا دم مرگ بر پاهای او مشهود بود. داد گاههای فرمایشی او را ابتدا به اعدام ۱۵ سال حبس و سپس به حبس ابد محکوم کردند. رفیق قربانعلی مؤذنی پور تا سال ۵۷ در زندان قصر محبوس بود. او در زندان نیز مدتی از فعالیت باز ایستاد. وی از رهبران اعتصاب غذای یک ماهه زندانیان این زندان در آستانه خیزش وسیع توده ای در سال ۵۷ بود.

پس از راهی از بند به بازسازی تشکیلات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در تهران یاری رساند. پس از مدتی مسئول استان فارس شد. در بهمن ۲۷ خرداد ۱۳۶۱ کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به عضویت مشاوران این کمیته درآمد. رفیق مؤذنی پور در سال ۶۲ مسئولیت تشکیلات ایالتی سازمان در اصفهان را نیز بر عهده گرفت.

با تحت تعقیب قرار گرفتن فعالین سازمان ما جان رفیق قربان نیز در معرض خطر قرار گرفت. در هر گامی خطری در کمین وی بود. برای تحت فشار قرار دادن وی همسر و دو فرزند دو قلوی یک ساله اش را دستگیر و روانه شکنجه گاه کردند تا اینکه در اردیبهشت ۱۳۶۳ دستگیری نمودند. باز غیر انسانی ترین شکنجه ها و فشارها در انتظار این انسان آزاده بود.

رفیق مؤذنی پور به گونه ای جان خراش جان باخت. او پس از چند روز مقاومت در زیر شکنجه، شکنجه گران را فریفت و به بهانه آن که می خواهد آنها را بر سر قرار بیا همزمانش ببرد، توانست خود را دمی از زندان برهاند و در فرصتی کوتاه خود را در یکی از خیابانهای اصفهان به زیر چرخهای سنگین یک کامیون اندازد. بدین ترتیب رفیق مؤذنی پور به زندگی خود پایان داد. او جان شیفته خود را بر سر پیمان با یاران و اندیشه اش نهاد.

رفیق قربانعلی مؤذنی پور (احمد شیراز) با از راهی بی نیک و انسانی با ایمان به صلح، استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم جان باخت. در دهمین سالگرد جان باختن رفیق قربان، یادش را گرامی می داریم.

تظاهرات دانشجویان ...

سال اخیر مترادف با رشد کیفیت آموزشی و تجهیز دانشگاهها با نیازهای علمی زمان نبوده است. سیاست رژیم در قبال دانشگاهها مانند بازاریان آرزان بخر، گران بفروش بوده است. دولت سال به سال به بهانه صرفه جویی هزینه بودجه آموزشی را کاسته و

سرمایه گذاران دانشگاههای خصوصی بر شهریه ثبت نام و هزینه مواد آموزشی افزوده اند. دانشگاه آزاد اسلامی از جمله دانشگاههایی است که شهریه آن، مثل قیمت گوجه و خیار تابع بازار است. امتیازداران و هیأت امنای این دانشگاه یعنی سید علی خامنه ای، هاشمی رفسنجانی و عده ای دیگر از بازاریان و آخوندان پیش از آنکه به فکر پاسخ به نیازهای آموزشی و علمی کشور باشند، به دنبال سرکشی کردن مردم هستند.

حرکات جمعی اعتراضی دانشجویان علیه این سیاست های رژیم، نشانه روحیه تعرضی آنان برای کسب خواسته های صنفی شان است. تظاهرات آنان هنوز تا پیوسته و بدون هماهنگی با دانشجویان سایر دانشگاههاست. همبستگی میان دانشجویان یک دانشگاه و دانشکده های مختلف برای پیگیری خواسته های شان در شرایط فعلی حائز اهمیت است. هر حرکت جمعی اعتراضی گامی است در جهت کاهش امکانات تا از وی جبران رژیم. تمام تلاش رژیم متوجه جلوگیری از گسترش اعتراضات جمعی و همبستگی میان دانشجویان است. حکومت می داند که مثل سابق یک تاز و میداندار نیست و اوضاع اقتصادی به حدی وخیم است که هر اعتراضی می تواند به حرکت اجتماعی پیش بینی نشده ای فرا رود. و از این روست که رژیم روش اعراب پیش گرفته می خواهد هر گونه اعتراض، پیش از آنکه به اعتراضات جمعی بدل شود، سرکوب گردد و در این راه از دست زدن به جنایاتی نظیر قتل پنهانی دانشجویان معترض نیز با بی نداد.

دیده و به رکود خواهد گرائید. گرانی حاصل از سیاست جدید دولت - هر چند نرخ ارزهای خارجی را بطور صوری هم پائین بیاید، عملاً به کاهش ارزش ریال و قدرت خرید آن منجر خواهد شد.

علاوه بر تصمیم کمیته تنظیم بازار ارز، بر اساس دستور عمل رئیس جمهوری، وزارت اطلاعات و امنیت و نیروهای انتظامی مامور مبارزه با قاچاق ارز و خروج غیر قانونی ذخایر ارزی کشور شده اند. سیاست در اختیار گرفتن کنترل تمام معاملات خارجی از سوی دولت و اعمال محدودیتهای شدید در واردات - حداقل تا زمانی که چنین است - نقطه پایان بر سیاستهای اقتصادی چند ساله اخیر دولت است که بر آزاد سازی و درهای باز اقتصادی استوار بود. در مورد نرخ ارز هر چند دولت بطور غیر مستقیم و از طریق فشار بر تقاضا در صدد کنترل آنست، اما عملاً بازار ارز و نرخ برابری ریال با ارزهای خارجی نیز از میدان کار کرد آزادانه بازار و عرضه و تقاضا - آنطور که هدف سیاست تک ترخی کردن ارز بود - خارج شده و سیستم چند ترخی بی ثبات بران حاکم می شود.

فرجام تلخ تک ترخی کردن ...

تقاضای برای بازار آزاد را کاهش دهد و ورود کالاها را تحت کنترل دولت در آورد، اما چشم انداز روشنی برای موفقیت نخواهد داشت. زیرا تجار که نفوذی نیرومند در حکومت دارند، محدود ساختن تقاضا را تحمل نخواهند کرد. راه کنترل بازار آزاد از قبیل آزر چیز عرضه کافی ارز دولتی است. دولت تنها با داشتن منابع ارزی کافی می تواند به طرز موثر بازار را کنترل کند. اما ارزی در دست دولت موجود نیست. در عین حال سیاستهای جدید بدلیل برقراری محدودیت در واردات کالا و مواد اولیه، بر رکود اقتصاد و کمبودها دامن می زند و به تورم بیشتر منجر خواهد شد.

در اقتصاد بحرانی ایران، نظارت و کنترل دولت بر واردات و بازار ارز ضروری است. کمبود ارز، سرمایه های عظیم انباشته در دست تجار و دولاران، ضعف بخش دولتی و دلایل دیگر موجب می شود که نتوان تنها بر عرضه و تقاضا تکیه کرد. در عین حال کشور ما طعم تلخ دولتی کردن بخشهای گسترده اقتصادی از جمله تجارت خارجی را چشیده است. رژیم اسلامی در طول حیات خود با در این قطب قرار گرفته است و یاد آن قطب و هیچگاه توازن مناسبی در این مورد پیش نرفته است. اکنون نیز سیاست های کنترلی که دولت قصد اجرای آن را دارد، مقطعی و کم تأثیر است.

تسلط محافل و باندهای تجار بر حکومت جای هیچگونه تردیدی باقی نمی گذارد که دولت قادر نخواهد شد کنترل موثری بر روند واردات داشته باشد، چنانکه تا کنون هم نداشته است. ترکیب حکومت ترکیب کسانی است که هر کدام منافع شان در واردات بی رویه و سودهای آنی است.

واقعیت دیگر این است که رشد شتابان جمعیت کشور نیاز به واردات کالا های اساسی و ضروری را بالا می برد و به عدم تعدل ارزی کمک می کند. بدین ترتیب همه ی عوامل عینی در راستای این ارزیابی شهادت می دهند که چشم انداز گسترش فعالیت اقتصادی، به ویژه حجم سرمایه گذاری در کشور منفی است. در شرایط بی ثباتی کامل سیاستهای اقتصادی، هیچکس قادر به پیش بینی آینده نیست و در چنین وضعی خواه ناخواه سرمایه گذاری صورت نخواهد گرفت. تولید ملی در شرایط عملکرد سیاست های - و در واقع بی سیاستی ها - جاری رژیم زمینه رشد ندارد و در نتیجه نه تنها ریال ایران از مهمترین عامل حفظ ثبات قیمت خود، یعنی رشد تولید ملی و گسترش بازارهای خارجی بی بهره است، بلکه با توجه به مجموعه عوامل اقتصادی و سیاسی حاکم بر کشور در آمد واقعی سرانه در کشور بازم روبه کاهش می رود. فقر بیشتر اکثریت بزرگتری از مردم، یگانه چشم انداز واقعی در شرایط فعلی حاکم بر کشور است.

مشترک کار شوید!

زادروز دکتر محمد مصدق

به مناسبت صد و دوازدهمین زادروز دکتر محمد مصدق رهبر جنبش ملی کردن نفت، در ۲۹ اردیبهشت امسال در احمدآباد مراسم جشنی برپا شد.

خمینی طرفداری از مصدق را پرستش مشتاق استخوان پوسیده نامید و با تحقیر ملی گرایان، کوشید نقش مصدق را در کارزار ملی شدن نفت ایران را ناچیز جلوه دهد و خردیکاری های آیت الله کاشانی و امثال او را توجیه کرده، از آنها چهره هایی وجیه المله بسازد. اما خلف او خامنه ای دیگر به صلاح نمی بیند بی محابا به مصدق بتنازد. وی اخیراً در دیداری با نمایندگان مطبوعات داخلی به شیوه خود از مصدق تجلیل کرد. او گفت: "آیا مصدق هم بنیادگرا بود؟ دیدید در این کشور با مصدق چه کردند. مصدق فقط می خواست کشور مستقل باشد می خواست نفت کشور را اختیار کمپانی ها قرار نگیرد ولی دیدید که پدرش را در آوردند."

با آنکه خامنه ای آندسته از همکاران مصدق را که تا برپایی جمهوری اسلامی زنده مانده اند، بی عرضه و ناباب و بیکاره خواند، اما تجلیل از مصدق تاکنون در عرف بالاترین مقامات جمهوری اسلامی سابقه نداشته است.

این که امروز حتی خامنه ای خود را مجبور می بیند که از مصدق به نیکی یاد کند ناشی از محبوبیت عظیم مصدق در میان همهی ایرانیان اعم از جوان، میانسال و پیر است. شخصیتی که تلاش هایش بر اثر کودتای ۲۸ مرداد عقیم ماند. یادش گرامی باد.

رفسنجانی: در مورد حذف سوبسیدها بسیار با احتیاط عمل می کنیم!

مقامات رژیم در مورد حذف سوبسید کالا های ضروری مردم بوجود آمده است. رفسنجانی خود پیش از هر کس دیگری از حذف این گونه سوبسیدها گفته است. یک ماه پیش از این سخنان، و بازم از طریق تریبون نماز جمعه، رفسنجانی از تصمیم دولت در مورد حذف سوبسیدها سخن گفته بود. سخنان قبلی رفسنجانی نگرانی و واکنشهای اعتراضی بسیاری را در مردم به وجود آورد. نگرانی های گسترده مردم و احتمال بروز ناآرامی های بیشتر و گسترده تر عوامی هستند که دولت را مجبور ساخته به گفته رفسنجانی بسیار با احتیاط عمل کند.

دوروز بعد از سخنان رئیس جمهور، وزیر کشور که در سمینار معاونان سیاسی و امنیتی

هاشمی رفسنجانی در نماز آخرین جمعه اردیبهشت ماه باردیگر به بحث در مورد سوبسید پرداخت و گفت: مردم نباید در مورد حذف سوبسید سوخت و نان نگران باشند. وی افزود: به علت مشکلاتی که حذف این سوبسیدها ممکن است به دنبال داشته باشد، دولت بسیار با احتیاط عمل خواهد کرد. رفسنجانی گفت: به نظر من حتی زمان پنج ساله برنامه دوم نیز برای حذف این سوبسیدها کافی نبوده و حداقل یک برنامه دهساله برای رفع تبعیض از سوبسید سوخت و نان مورد نیاز است.

مشکلات و نگرانی هایی که رفسنجانی در سخنان خود به آنها اشاره کرد، بر اساس گفته های مکرر

فلاحیان: ایرانیان مقیم خارج مساله خاصی برای بازگشت ندارند!

جمهوری اسلامی تا حدود زیادی از بین رفته است. این دومین باری است که وزیر اطلاعات و امنیت کشور از بازگشت ایرانیان مقیم خارج به کشور سخن می گوید. چندی پیش و در جریان سفر به آلمان، او مشابه چنین سخنانی را بر زبان آورده بود. هاشمی رفسنجانی نیز در پیام نوروزی خود ایرانیان مهاجر را دعوت به بازگشت کرد. این دعوتها تاکنون نتوانسته است اطمینان و اعتماد هموطنان خارج از کشور را جلب کند، به این دلیل ساده که اوضاع سیاسی - اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور خلاف ادعاهای سران رژیم را نشان می دهد.

فلاحیان در این مصاحبه پیرامون حادته تیراندازی به هاشمی رفسنجانی در ۱۲ بهمن ماه گذشته گفت: بر اساس اطلاعاتی که تا کنون بدست آمده و مواردی که خود متهمین اعتراف کرده اند و استیجاری آنها به گروهکها محرز است و برخی از این عوامل از عناصر فعال گروهکها بوده اند. وی گفت: تحقیقات تکمیلی در این مورد در حال انجام است و پس از حصول نتیجه نهایی اعلام خواهد شد. فلاحیان در این مصاحبه از "گروهکهای" مورد نظر خود نام نبرد، اما وی پیش از این ایرانیان مهاجر را دعوت به بازگشت کرد. این دعوتها تاکنون نتوانسته است اطمینان و اعتماد هموطنان خارج از کشور را جلب کند، به این دلیل ساده که اوضاع سیاسی - اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور خلاف ادعاهای سران رژیم را نشان می دهد.

فلاحیان در این مصاحبه پیرامون حادته تیراندازی به هاشمی رفسنجانی در ۱۲ بهمن ماه گذشته گفت: بر اساس اطلاعاتی که تا

علی فلاحیان وزیر اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: ایرانیان مقیم خارج به آسانی می توانند به کشور رفت و آمد کنند. وی خاطر نشان کرد: اکثر کسانی که در خارج زندگی می کنند هیچگونه مساله خاصی ندارند و به راحتی به داخل کشور تردد می کنند. ولی عده ای از ایرانیان مسائل قضایی و حقوقی دارند که این مسائل باید از طریق قانونی و قوه قضائیه حل شود. فلاحیان به مسائل سیاسی هزاران تن از کسانی که بدلیل پیگردنیروهای امنیتی رژیم مجبور به ترک وطن شده اند، اشاره نکرد. اما افزود بسیاری از ایرانیان بدلیل جوسازی ها و تبلیغات سوء از بازگشت به کشور هراس داشتند که خوشبختانه این ذهنیت غلط نیز با اقدامات و اظهارات مسئولین

در مساله روبرو شدن

دموکراسی یعنی بیعت با رهبری!

آیت اله آذری قمی - صاحب امتیاز روزنامه رسالت و یکی از آخوندهای با نفوذ دستگاه روحانیت - اگر هزار بار مرتجع تر از دیگر آخوندهای صاحب قدرت و حکومت هم باشد - که هست - حداقل این حسن را دارد که همواره نقطه نظرات خود را صریح و بی پرده بیان کرده و از آن دفاع نموده است. حتی آنمواقع که بازار عوامفریبی آخوندها گرم است و مصلحت را در آن می بیند که سخنی خلاف نظر واقعی خود بر زبان براند و در عمل غیر از آن کند که در نظری می گویند. مثل این سخن خمینی که گفت "ملاک رای مردم است" اما ملاک همواره رای خودش بود.

باری، آقای آذری قمی درباره دموکراسی چنین اظهار نظر کرده است: "دموکراسی بنظر ما معنی اش این است که همه با حاکم اسلام و رهبری که از سوی خداوند تعیین شده، بیعت کنیم. ایشان دموکراسی غربی را مردود می داند و می گوید: به عقیده ما حاکم را خدا تعیین می کند و برخلاف دموکراسی غربی که ملاک تنها رای مردم است، در سیستم ما، مراجع دیگر هم باید نظرشان را بدهند. اینکه آیت اله خمینی فرمودند "ملاک رای مردم است، معنایش پذیرش دموکراسی به مفهوم غربی آن نیست."

مسئولان نگرانند یا خوشحال؟

برخی از روزنامه های تهران خبری را چاپ کرده اند با این عنوان که: "مسئولان جمهوری اسلامی ایران نگران وضعیت دهها هزار ایرانی مقیم آلمان هستند." این نگرانی "گویا بخاطر افزایش جو خارجی ستیزی در آلمان و حملات گروههای نفوذاشیست به خارجیان است. این روزنامه ها این خبر را از قول آقای سعید رجایی خراسانی نوشته اند که "مسئول کمیته حقوق بشر مجلس شورای اسلامی" است و خود نیز همراه مسئولان اسلامی نگران وضع ایرانیان مهاجر است.

وضع ایرانیان پناهجو - و نه تنها ایرانیان - بخاطر رشد روزافزون گرایش های نژادپرستانه در این کشور جای نگرانی دارد. اما تا آنجا که به ایرانیان مربوط می شود، خدو کیلی اینان تاکنون از جانب "مسئولان جمهوری اسلامی ایران" و در واقع از جانب مزدوران آدمکش و شبکه ترور هدایت شده از سوی این "مسئولان" بیشتر نگران و در معرض تهدید و خطر بوده اند تا گروههای نفوذاشیست آلمانی. دلیل بسیار روشن هم برای این نگرانی و احساس خطر وجود دارد: تاکنون حداقل ۶۰ تن از ایرانیان در آلمان میهن توسط آدمکشان اجیر شده توسط "مسئولان جمهوری اسلامی" به قتل رسیده اند که دست کم مورد آزار این قتل در خاک آلمان صورت گرفته است. این ها، غیر از حملات او با شانه عوامل حزب اله به ایرانیان و ضرب و شتم آنها یا موارد سوء قصد های نافرجام است که نقشه های تروریستی دلایلی یا مرفیقت روبرو نبوده است.

تهدیداتی که از جانب نفوذاشیست متوجه ایرانیان مهاجر است، سوی دیگر خطرات یا تهدیداتی است که از طرف رژیم جمهوری اسلامی متوجه آنهاست، بدون آنکه در جانب این تهدیدات ارتباطی با هم داشته باشند. با این وصف باید پرسید: "مسئولان جمهوری اسلامی ایران" از حملات نفوذاشیست به خارجیان در آلمان نگرانند یا خوشحال؟

جنگ برادر کشی در کردستان عراق بیش از ۵۰۰ کشته بر جای گذاشت

۳۶ درجه تشکیل گردید قدرت در حکومت خود مختار تقریباً بین دو حزب عمده کرد تقسیم شده بود. نمایندگان دو حزب در انتخابات پارلمان هر یک ۵۰ درصد کرسی ها را بدست آوردند و در دولت نیز پست های همطراز داشتند. اربیل پایتخت حکومت کرد "بیطرف" بود و بقیه سرزمین کردستان تقریباً مساوی توسط دو نیرو کنترل می شد. اما اکنون اتحادیه میهنی نه تنها کنترل خود را بر تمام مناطق کردستان بجز چند ناحیه در جنوب شرقی نزدیک مرز ایران از دست داده است، بلکه پذیرفته است که در ترکیب دولت نیز تجدید نظر شود ولی ترکیب پارلمان تا انتخابات آتی تغییر نکند.

از سوی دیگر، جنگ موقعیت پارزانی ها را هر چه بیشتر تحکیم کرد. اکنون عملاً کردستان تحت کنترل آنهاست. حکومت ایران نیز پول و اسلحه و سایر خدمات را وسیعاً در اختیار آنها قرار می دهد. پارزانی ها چه در زمان شاه و چه در حکومت جمهوری اسلامی همواره روابط بسیار نزدیکی با حکومت ایران داشته اند. تغییر توازن قوا در کردستان یک پیروزی مهم برای رژیم نیز تلقی می شود. اکنون پیشمرگه های شیخ عثمان - متحد اسلامی پارزانی ها - یگانه کسانی هستند که حقوق خود را به دلار دریافت می کنند.

محافل بیطرف کرد خبر می دهند که بین اتحادیه میهنی و صدام هم پس از وقایع اخیر تماس هایی برقرار شده است. اما این گفته ها را طرف های اخیر به تغییر چشمگیر توازن قوا در کردستان انجامیده است. دو سال پیش وقتی با حمایت آمریکا و پوشش نظامی سازمان ملل تعرض صدام به کردستان قطع شد و دولت خود مختار کرد در شمال مدار

در کردستان انتقال دهند. اما طالبانی شرط کرده است که فقط در صورتی به کردستان خواهد رفت که مسعود پارزانی شخصاً وی را همراهی کند. زیرا بیم جان خویش را دارد و از افراد خود مطمئن نیست. پارزانی شرط را پذیرفته اما گفته است این کار جلال را بیشتر بصورت یک پناهنده جلوه گرمی کند نه یک رهبر کرد. آخرین خبر اینست که طالبانی برای قطعی کردن آتش بس آماده است به کردستان بازگردد.

گزارش عقوبین الملل

عقوبین الملل در بیانیه ای مفصل اعلام کرده است که از هر دو طرف جنگ گزارش هایی دال بر شکنجه و اعدام افراد طرف دیگر دریافت کرده است. عقوبین الملل از همگان خواسته است وضع رقت بار حقوق بشر در کردستان را مورد توجه جدی قرار دهند و از هیران کرد بخواهند به این فجایع پایان دهند. آخرین خبر اینست که ۴ هزار زن کرد عراقی نیز یک راهپیمایی بزرگ صلح را از جنوب به شمال عراق آغاز کرده اند. هدف آنان کمک به برقراری صلح و آشتی بین احزاب کرد است.

پی آمدهای جنگ

جنگ های اخیر به تغییر چشمگیر توازن قوا در کردستان انجامیده است. دو سال پیش وقتی با حمایت آمریکا و پوشش نظامی سازمان ملل تعرض صدام به کردستان قطع شد و دولت خود مختار کرد در شمال مدار

طرح ادغام وزارت ارشاد سازمان تبلیغات اسلامی و حوزه هنری

بنوشته مطبوعات کشور در جلسه ۹ خرداد ماه مجلس شورای اسلامی، طرح ادغام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری و دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم به هیئت رئیسه ارائه شد. این ارگانها تقریباً وظایف مشابهی دارند و وسالهاست که جدا از هم بکار "ارشاد و تبلیغ" مشغولند.

در سالهایی که خاتمی در رأس وزارت ارشاد قرار داشت، سازمان تبلیغات اسلامی و حوزه هنری و دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم از جانب روحانیت و جناح رسالت تقویت می شد و در

انگلیس و جمهوری اسلامی ...

تهران از فتوای قتل سلمان رشدی اعلام کرده است. با این حال روابط اقتصادی و تجاری بین دو کشور کمتر تحت تاثیر سطح روابط دیپلماتیک قرار داشته است. تغییر محسوس در حجم معاملات بین دو کشور در سال های اخیر وجود نداشته است. بنظر می رسد تشنج اخیر در روابط تهران و لندن دلائل سیاسی و اعلام نشده ی خاص خود را داشته باشد. نوع اتهامات اعلام شده چنین ظنی را تقویت می کند. اما علیرغم تداوم اتهامات خصمانه و پیش بینی وقوع موارد مشابه در آینده، تصور نمی رود نه تهران و نه لندن مایل باشند این تشنجات تا آنجا پیش رود که به قطع مجدداً روابط دو کشور منجر گردد و یا سطح موجود روابط اقتصادی را تحت تاثیر قرار دهد.

ادامه از صفحه ۱

میهنی خارج و تحت کنترل حزب دموکرات پارزانی درآمده است. مناطق جنوب شرقی کردستان، از جمله حلبچه و اطراف سلیمانیه از کنترل افراد طالبانی خارج شده است. مسافرانی که از منطقه آمده اند می گویند صدها پاسدار ایرانی با لباس کردی در خیابانها برسه می زنند.

آتش بس

بر اثر تلاش های رئیس "کنگره ملی عراق" که یک غیر کرد است و مذاکرات سنگینی که بیش از سه هفته طول کشید و به دو آتش بس ناموفق هم منجر شد - سرانجام در هفته گذشته سومین آتش بس که تاکنون ادامه یافته است برقرار شد. سه هفته جنگ بیش از ۵۰۰ کشته بر جای گذاشت. "کنگره ملی عراق" تشکیل همه نیروهای مخالف صدام حسین است که با حمایت سوریه و غرب دو سال و نیم پیش در دمشق تشکیل شد و شامل احزاب کرد، حزب کمونست و مجلس اعلا ی انقلاب اسلامی و بعضی های مخالف صدام است. وزارت خارجه آمریکا رسماً از کوشش های رئیس کنگره ملی عراق، قدر دانی کرده است.

مساله مهمی که آتش بس را مست می کند آنست که جلال طالبانی در دمشق مانده و عملاً کنترلی بر افراد خود ندارد. کوشش اصلی میانجی ها بازگرداندن او به کردستان است. آمریکا و ترکیه گفته اند هلی کوپترهای ارتش آنها آماده اند و رای بهر کجا که بخواهد

برگزاری مراسم یادبود خمینی به چه قیمت؟

در پنجمین سالگرد مرگ خمینی رژیم جمهوری اسلامی تصمیم گرفت که مراسم یادبود باشکوهی برای وی ترتیب دهد. ۳۰۰۰ مهمان خارجی از ۶۳ کشور دعوت شدند و تدارک سکونت و تغذیه‌ی ۳۰ هزار نفر در محل دفن وی دیده شد. دولت سه روز عزای ملی اعلام کرد و تبلیغات عظیمی در سطح کشور برای برگزاری مراسم یادبود صورت گرفت. از کلیه‌ی خبرنگاران و روزنامه‌نگاران جهان دعوت شد که برای تهیه‌ی خبر در این روزها به ایران بیایند و به تمام سفارتخانه‌ها دستور داده شد که با در نظر گرفتن تسهیلاتی به آنها ویزای ده روزه داده شود. قلم بدستان رژیم در مطبوعات داخلی در تجلیل خمینی در میالغه گوی سبقت را از هم ربوده، مقام اورا به عرش رساندند و وی را «آسطوره‌ای خواندند که نامش به نیکی در تاریخ جاودان خواهد ماند. رژیم گزارش از مخارج سنگینی که در این اوضاع تابسانان اقتصادی صرف ریخت و پاش های اینجینی شد، به مردم نداد تا آنها بدانند دعوت حکومت از مهمانان خارجی که عمدتاً آخوندهای کشورهای عربی و آسیای میانه هستند چقدر برای آنها خرج برداشته و چه تأثیری در اقتصاد خانواده گیشان خواهد گذاشت.

با مشاهده‌ی این امر این سؤال به اذهان خطور می‌کند که در اوج ورشکستگی اقتصادی چه انگیزه‌ای رژیم را وامی‌دارد که به چنین نمایشاتی دست یازد؟ پاسخ اینکه برای رژیمی که در انزوای جهانی بسر می‌برد، چه بسا تنهاره آن است که با استفاده از بعضی سنت‌ها و اعتقادات و گرایش‌های مذهبی مردم در فرصت‌های اینجینی خود را مقبول توده‌های وسیعتری از مردم نشان دهد و اعتماد بنفس از دست رفته‌ی طرفداران خود را به آنان بازگرداند.

ولایتی تیرماه به بغداد می‌رود

ولایتی در حاشیه‌ی اجلاس وزرای خارجه‌ی عضو جنبش عدم تعهد در قاهره با وزیران امور خارجه‌ی کشورهای قطر، بحرین، عمان و عراق دیدار کرد. وی این دیدارها را مثبت خواند و گفت به درخواست وزیر امور خارجه عراق و به منظور ایجاد فضای مطلوب در روابط دو کشور در نیمه دوم تیرماه به بغداد سفر خواهد کرد. مسئله اسرای باقیمانده و نیز اوضاع در منطقه شمال عراق از موضوعات مورد گفتگوی ولایتی با همتای عراقی اش در سفر آتی وی به بغداد خواهد بود. به گفته‌ی ولایتی حمایت ایران و عراق از حفظ وحدت یمن و مخالفت با هرگونه خالت در این کشور از جمله مسائل مورد بحث

خرجی که ماهواره و "تهاجم فرهنگی" بر روی دست رژیم می‌گذارد!

خبرنامه سازمان برون مرزی حزب ملت ایران، متن نامه‌ای را انتشار داده است که ظاهراً از سوی گروهی از "کارمندان و کارکنان متعهد" رادیو تلویزیون و خبرگزاری جمهوری اسلامی خطاب به خامنه‌ای نوشته شده و در آن باره دیگر موضوع ماهواره مورد پرسش قرار گرفته است. این نامه متوجه به ام صدای سیمای جمهوری اسلامی است. در این نامه ضمن اشاره به "فتوای آیت الله محمد علی اراکی مبنی بر حرام شمردن استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ای برای عموم شیعیان" به "عناصر فشار و تعداد محدودی از بسیجیان اغفال شده" اشاره شده که با اتکا به فتوای فوق در صدد تخریب سیستم‌های ماهواره‌ای و صداوسیما هستند. در این نامه از خامنه‌ای خواسته شده "نظر قطعی" خود را در این زمینه اعلام دارد. در پاسخ به خط خامنه‌ای است چنین گفته شده: "اگر استفاده از ماهواره و دیدن برنامه خارجی موجب فساد باشد، جایز نیست و اگر غیر از آن باشد اشکال ندارد." فتوای "خامنه‌ای" اگر واقعی باشد بنیاد فتوای اراکی که هر گونه استفاده از ماهواره را حرام شمرده، تفاوت دارد. از سوی دیگر وزیر ارشاد نیز به صف مخالفان دو آتش ماهواره پیوست و آنرا برای جمهوری اسلامی "یک پدیده مخرب فرهنگی" اعلام کرد. مصطفی میر سلیم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی یکرز بعد از اظهار نظر خشمگینانه خود علیه ماهواره، اعلام کرد یک درصد از بودجه کل کشور به "مبارزه با تهاجم فرهنگی" اختصاص یافته است. این بودجه قرار است صرف فعالیت‌هایی شود که هدفشان "پاسداری از ارزشهای اسلامی و مقابله با ارزشهای بیگانه" است. مبارزه با ماهواره که اکنون به تعبیر سران رژیم ترک پیکان "تهاجم فرهنگی" است بخش اعظم این بودجه را به خود اختصاص خواهد داد. اینگونه به هدر دادن بودجه کشور در شرایطی است که به گفته مسئولان رژیم، در زمینه‌هایی همچون بهداشت و آموزش کمبود شدید بودجه وجود دارد.

بلیت پروازهای داخلی و خارجی گران شد

بنا به تصمیم شورای عالی اقتصاد جمهوری اسلامی بلیت پروازهای خارجی، ۶۰ درصد و بلیت پروازهای داخلی، ۵۰ درصد افزایش یافتند. به ادعای مسئولان شرکت‌های هواپیمایی به دلیل زیان دهی خطوط هوایی داخلی با وجود سوبسیدهایی که به آن تعلق می‌گیرد بلیت پروازهای داخلی، ۵۰ درصد افزایش یافت. علاوه بر آن شرکت‌های هما و آسمان مجاز شدند تا تصویب وزیر راه و ترابری با توجه به شرایط پروازها، نرخ بلیت‌ها را به میزان ۲۵ درصد تغییر دهند.

افزایش بهای بلیت پروازهای خارجی به میزان ۶۰ درصد نیز از روز ۱۱ آذر (۲۱ خرداد) اجرایی شود و مسافرانی که پیش از گران شدن بلیت، بلیت خود را تهیه کرده بودند، موظف به پرداخت مابه‌التفاوت آن می‌باشند.

شورای عالی اقتصاد به منظور جلوگیری از انحصار بازار توسط شرکت‌های هواپیمایی خارجی به آن‌ها نیز تکلیف کرد که از این پس نرخ مبادله‌ی ارزی خود را به جای بهای رسمی ارز بر مبنای بهای صادراتی آن محاسبه کنند.

به این ترتیب بهای بلیت پروازهای خارجی از تابستان گذشته تا کنون در دو مرحله گران شده و به ۳ برابر قیمت قبلی خود رسیده است. رئیس سازمان هواپیمایی همچنین اعلام کرد که این سازمان قصد دارد درآمد ارزی خود را از محل دریافت حق عبور هواپیماهای خارجی از آسمان ایران که در حال حاضر ۱۶ میلیون دلار است از سال آینده به ۱۰۰ میلیون دلار برساند. لازم به یاد آوری است که از آغاز امسال هزینه‌های پست، تلگراف و تلفن، بنزین، حمل و نقل داخلی و خارج شهری مثل اتوبوس و قطار و هزینه‌های درمانی به شکل سرسام آوری افزایش یافته است.

رژیم راههای غرب کشور را مین گذاری کرد

فرمانده قرارگاه حمزه اعلام کرد که تا بحال ۲۲۶ معبر و راه در غرب کشور مین گذاری شده است تا از انجام عملیات توسط مخالفان جمهوری اسلامی جلوگیری شود. شورایی نیز با هدف تأمین امنیت مطلوب در غرب کشور تشکیل شده است.

کمبود داروهای حیاتی در مازندران

افزایش ۲۰۰ درصدی قیمت دارو نسبت به دو سال گذشته و کم شدن سهمیه‌ی دارویی داروخانه‌های مازندران بدون توجه به بیماری‌های فصلی و منطقه‌ای باعث نایاب شدن دارو در این استان شده است. ۴۰ تا ۵۰ درصد بیماران در این استان مبتلا به روماتیسم، آسم، امراض قلبی، دیابت و امراض پوستی می‌باشند در حالیکه سهمیه‌ی داروهای داروخانه‌ها در ماه تنها نیاز روز و این بیماران را تأمین می‌کند.

صید بی‌رویه ماهی خاویار

صید قاچاق و بی‌رویه‌ی ماهی خاویار باعث کاهش نسل این ماهی در دریای خزر و رودخانه‌ی ولگا شده است. تغییر نحوه‌ی مجازات صیادان غیر مجاز در این امر بی‌تاثیر نبوده است. تا سال ۱۹۹۱ صید ماهی خاویار تحت قوانین و مقررات خاصی که توسط ایران و شوروی سابق اجرامی شد امکان پذیر بود و برای صید بدون مجوز ماهی خاویار در ساحل روسیه تا ۷ سال زندان تعیین می‌شد در حالیکه هم اکنون مجازات صید قاچاق، جریمه نقدی می‌باشد. آمار نشان می‌دهد که در سال ۱۹۸۰ حدود ۲۵ هزار تن ماهی از دریای خزر صید می‌شد که این مقدار در سال ۹۳ به ۶ هزار تن رسیده است.

دستگیری ۲ عراقی در ایران

علی فلاحیان وزیر اطلاعات رژیم اظهار کرد که عراق در ۴ ماه گذشته گروه‌هایی را برای بمب گذاری به ایران فرستاده است. وی از دستگیری دو عراقی که به قاچاق مواد منفجره به ایران اعتراف کرده اند خبر داد. در این رابطه ۴ شهروند ایرانی نیز دستگیر شده‌اند. فلاحیان گفت که عراق در چهار ماه گذشته ۲۲ بمب وارد ایران کرده که از این مقدار ۱۴ عدد آن پیش از انفجار کشف شده‌اند، ۲ عدد آن منفجر شده و نیروهای انتظامی همچنان بدنال یافتن ۸ بمب باقی‌مانده هستند.

رئیس جمهور ترکیه به تهران می‌رود

بدنبال تعمیق روابط سیاسی، نظامی، امنیتی و اقتصادی ایران و ترکیه، رئیس جمهور ترکیه سلیمان دمیرل در مرداد ماه آینده به تهران سفر خواهد کرد.

ممنوعیت برج سازی در تهران

بشارتی وزیر کشور با تأکید بر بخشنامه‌ای که دردی ماه گذشته به شهرداری‌ها ابلاغ شده بود، اعلام کرد که از آن تاریخ شهرداری‌ها موظف شده‌اند از صدور پروانه‌ی برج سازی در تهران خودداری کنند. وی دلیل جلوگیری از ساختن برج در تهران را از بین رفتن ترکیب شهر تهران، شکایات متعدد شهروندان و مسائل اعتقادی و فرهنگی مردم اعلام کرد. بشارتی از امکان وقوع زلزله در تهران که می‌تواند دلیل منطقی برای ممنوعیت ساختن برج‌های بلند در شهر تهران باشد، سخنی نگفت.

نصب اتیکت بر روی کالاها آغاز شد

بنا به تصمیم گیری اخیر دولت برای کنترل قیمت‌ها، از روز دوشنبه ۷ خرداد ماه کلیه‌ی واحدهای صنفی ملزم به نصب اتیکت بر روی کالاها می‌شوند و کپ‌های ویژه‌ای برای جلوگیری از تخلفات و رسیدگی به شکایات تشکیل شده است. اما به گزارش روزنامه کیهان هیچ کس این تصمیم را جدی نگرفته است.

انتخاب هیات رئیسه مجلس

با آغاز سومین سال کار مجلس چهارم، علی اکبر ناطقی نوری در دور جدید انتخابات هیات رئیسه مجلس با ۱۹۳ رأی به ریاست مجلس رژیم رسید. حسن روحانی با ۱۶۴ رأی و حسین هاشمیان با ۱۲۲ رأی به عنوان نایب اول و دوم ریاست مجلس انتخاب شدند. عسگر اولادی، زابری و تقوی به سمت کارپرداز و سبحانی‌نیا، پیحوی، باهنر، شیرزاد، انگجی و اکرمی به عنوان منشیان مجلس برگزیده شدند. از ترکیب هیات رئیسه انتخاب شده در آغاز کار مجلس چهارم تنها دو نفر در هیات رئیسه‌ی جدید حضور دارند.

هفتمین نمایشگاه بین المللی کتاب پایا یافت

در این نمایشگاه ۷۳۰ ناشر داخلی با ۲۸۲۰۰ عنوان کتاب و ۵۲۴ ناشر خارجی با ۳۵۰۰۰ عنوان کتاب شرکت داشتند. رئیس نمایشگاه بین المللی کتاب اعلام کرد که بخش ناشران خارجی نمایشگاه بیش از ۸ میلیون دلار کتاب فرخته است.

کشف بلندترین آبشار ایران در کرمان

بلندترین آبشار ایران توسط گروه کوهنوردی آرش در کرمان کشف شد. این آبشار بقول کوهنوردان مذکور ۱۷۰ متر ارتفاع دارد. این آبشار زیبا و روان نام دارد و در ارتفاعات علم شاه در سلسله جبال "پارز کرمان" قرار دارد.

استقلال، برنده جام برتر فوتبال پایتخت



تیم فوتبال استقلال تهران در آخرین روز بازیهای جام برتر فوتبال پایتخت با یک گل از سد آرات گذشت. تیم آبی پوش پایتخت با این پیروزی و با مجموع ۱۰ امتیاز از بازی با ۲ برده و ۲ تساوی مکان اول جدول رده بندی جام برتر تهران را به خود اختصاص داد. تیم‌های کشاورزی با ۹ امتیاز از ۴ برده و یک تساوی و یک شکست و بانک

وزنه برداران جوان ایران سوم شدند

تیم ملی وزنه برداری جوانان در هشتمین دوره مسابقات قهرمانی جوانان آسیا در شهر اولان باتور مغولستان مقام سوم تیمی را به خود اختصاص داد. جوانان کره جنوبی به قهرمانی این دوره از مسابقات نائل آمدند. تیم هشت نفره ایران موفق شد

رویدادهای ورزشی

دعوت دوباره تیم ملی فوتبال ایران

پس از عدم توافق فدراسیون فوتبال با دومینی هلدی و دانمارکی سرانجام استانکو با بلو کوویچ مربی کروات سرپرستی تیم ملی فوتبال بزرگسالان ایران را بعهده گرفت و از ۴۱ بازیکن تهرانی و ۲۰ بازیکن شهرستانی برای شرکت در مرحله نخست تمرینات تیم ملی فوتبال دعوت بعمل آورد. این در حالی است که برومند مدیر تیم‌های ملی فوتبال ایران اعلام داشت هیچ محدودیتی برای شرکت بازیکنان دیگر در تیم ملی فوتبال وجود ندارد و بازیکنان لایق در جریان مسابقه‌های فوتبال لیگ

مقام سوم برای کشتی گیران جوان ایرانی

جوانان کشتی گیر ایرانی در مسابقات بین المللی یونان در هردو رشته آزاد و فرنگی به مقام سوم دست یافتند. تمامی ۹ کشتی گیر آزاد کار ایرانی به مدال دست یافتند. ایران در وزن ۴۸ کیلو سه نماینده داشت که به ترتیب مقام اول تا سوم را به خود اختصاص دادند. در وزن ۵۷ کیلو دو مدال اول به جوانان ما تعلق گرفت. علیرضا دبیر در ۴۸ کیلو، رضا عظیمی در ۵۲ کیلو، رضا عزیززاده در ۵۷ کیلو، ابوالفضل زینل نیا در ۶۸ کیلو، بهنام اصغری در ۷۴ کیلو و محسن فتح زاده در ۱۳۰ کیلو مدال

میزان بیکاری در کشور چقدر است؟

در سیمیناری که اخیراً با عنوان «اشتغال محور توسعه» در تهران برگزار گردید و تعدادی از مقامات و مسئولین اقتصادی دولت جمهوری اسلامی در آن سخنرانی کردند، یکی از سخنرانان میزان بیکاری در کشور را کمتر از ۱۰ درصد، و سخنران دیگر آنرا حدود ۴۰ درصد اعلام کرد!

مرتضی محمد خان وزیر اقتصاد و دارایی که یکی از سخنرانان این سیمینار بود، گفت: آخرین نتایج آمارگیری جمعیت در سال ۷۰ نشان می‌دهد که از ۵۷/۸ میلیون نفر جمعیت کل کشور، نزدیک به ۲۵/۲ درصد از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند. به عبارت دیگر نزدیک به ۱۵ میلیون نفر از جمعیت کشور آماده کار می‌باشند که حدود ۱۳ میلیون نفر شاغل و حدود ۲ میلیون نفر بیکار جویای کار بوده‌اند. وزیر امور اقتصادی و دارایی گفت: مطابق اطلاعات موجود، نرخ بیکاری طی یک دهه اخیر (۷۰-۶۰) از ۱۴/۲ درصد در سال ۶۵ به حدود ۱۱/۴ درصد در سال ۷۰ و کمتر از ۱۰ درصد در سال ۷۱ کاهش یافته است. بنا به اظهارات وزیر امور اقتصادی و

صنایع نساجی بار کودمواجه است

کاهش تولید پنبه و پائین آمدن کیفیت آن واردات انبوه محصولات نساجی خارجی، در کنار عدم سرمایه گذاری جدید در این رشته و نوسازی صنایع موجود، موجب رکود در صنعت نساجی و کاهش چشمگیر تولیدات در این صنعت شده است. در گزارشی که خبرگزاری جمهوری اسلامی از وضع کشت پنبه و صنعت پارچه بافی ایران تهیه کرده، آمده است: تولید خالص سالانه پنبه در سالهای قبل از انقلاب ۲۵۴ هزار تن بود که ۱۰۰ هزار تن آن در داخل مصرف و بقیه به خارج صادر می‌شد. در حال حاضر تولید سالانه پنبه بین ۱۰۰ تا ۱۰۰ هزار تن است که این مقدار پاسخگوی تنها نیمی از نیازهای داخلی است. بنا به اظهارات مدیرکل صنایع نساجی و پوشاک وزارت صنایع، میزان تولید پنبه در سال ۷۲ تنها حدود ۶۷ هزار تن بوده است. بنا به گفته یکی از مدیران کارخانجات پنبه پاک کنی استان مازندران، زراعت پنبه در شرایط فعلی در مقایسه با سایر زراعتها برای کشاورزان با صرفه نیست و با مشکلاتی که اکنون در زمینه تولید پنبه در منطقه وجود دارد، تولید این محصول به یک سوم کاهش یافته است. وی می‌گوید: در صورت عدم توجه جدی دولت به سرمایه گذاری‌های انجام شده در زمینه صنعت پنبه، نساجی و ریسندگی و بافندگی، این سرمایه گذاری‌ها از

توافق با فرانسه و کره جنوبی برای تمدید مهلت بدهی‌ها

می‌باشد. در همین حال مذاکرات با فرانسه برای قسط بندی مجدد بدهی‌های دولت تهران به آن کشور به نتیجه کلی رسید. روزنامه های تهران نوشتند: چهارچوب کلی قسط بندی بدهی‌ها مورد توافق دو طرف قرار گرفته است و قرار است جزئیات این توافق و ترتیبات پرداخت‌ها، در مذاکرات آتی میان طرفین مشخص گردد.

با این دو فقره توافق اخیر، دولت جمهوری اسلامی طی سه ماه گذشته توانسته است درباره قسط بندی مجدد حدود ۷ میلیارد دلار از بدهی‌های عقب افتاده اش با کشورهای طلبکار به توافق برسد.

رئیس کل بانک مرکزی:

تا پایان سال ۲۰۰۶ میلادی بدهیهای جمهوری اسلامی ۱۸ میلیارد دلار است!

افتاده دارد. دولت در مذاکرات با کشورهای طلبکار تاکنون توانسته است تنها ۶ میلیارد دلار از این بدهیهای عقب افتاده را مجدداً زمان بندی کند. تکلیف ۱۰ میلیارد دلار باقی‌مانده هنوز روشن نیست. علاوه بر روزنامه رسالت، منابع دیگر از جمله روزنامه سلام میزان بدهی خارجی جمهوری اسلامی را رقمی حدود ۴۰ میلیارد دلار اعلام کرده‌اند. بخاطر این بدهیهای عقب افتاده دولت اسلامی ناچار است سالانه مبالغ کلانی بعنوان بهره پرداخت نماید. حسینی شاهرودی رئیس کمیسیون اقتصاد و دارایی مجلس چندی پیش میزان بهره پرداختی دولت بابت این بدهیها را ۷۰۰ میلیون دلار در سال اعلام کرد.

باهر عضو هیات رئیسه مجلس و نماینده مجلس در شورای اقتصاد دو هفته پیش درباره بدهی‌های خارجی دولت گفت: سال گذشته بر اثر عدم برنامه ریزی سر رسید حدود ۱۶ میلیارد دلار بدهی می‌کشد که این یکی از اشتباهات سیاستهای مسئولان پولی کشور بود. وی افزود: تاکنون طی مذاکرات با تسقی ۷ میلیارد دلار موافقت شده است.

این بهره اضافه می‌شود. این نخستین بار است که رئیس کل بانک مرکزی به جزئیات بدهی‌های خارجی جمهوری اسلامی اشاره می‌کند. وی پیش از این توضیح کافی درباره بدهیهای خارجی دولت امتناع می‌کرد. با این همه صحت ارقام ذکر شده از سوی رئیس کل بانک مرکزی درباره بدهیهای خارجی جمهوری اسلامی محل تردید جدی است و منابع دیگر وابسته به حکومت جمهوری اسلامی میزان بدهیهای خارجی و نیز بدهیهای عقب افتاده دولت را بسیار بیش از این رقم اعلام می‌کنند. از جمله مرتضی نبوی نماینده مجلس و سردبیر روزنامه رسالت در بهمن ماه سال ۷۲ در این روزنامه نوشت: «در سال جاری (۷۲) ۱۹/۵ میلیارد دلار بدهی وجود داشت که در ۹ ماه اول سال ۶ میلیارد دلار آن پرداخت و حدود ۳ میلیارد دلار آن استمهال (تمدید مهلت) گردیده است. معوقه‌ها تا پایان سال جاری (۷۲) به ۱۰ میلیارد دلار خواهد رسید در سال آینده (۷۳) نیز حدود ۶ میلیارد دلار سر رسید بدهی وجود خواهد داشت. به این ترتیب دولت جمهوری اسلامی تا پایان امسال حدود ۱۶ میلیارد دلار بدهی عقب

بدهی‌ها خواهد داشت. اما آنجا که در بازار نفت منطق اقتصادی حاکم نبوده و منطق سیاسی حاکم است این شوک طی سالهای ۷۱ و ۷۲ اتفاق افتاد. بخش عمده بدهی‌های خارجی جمهوری اسلامی از نوع کوتاه مدت با بهره بالاست. عادلای با اشاره به این مسئله گفت: به لحاظ اینکه اخذ اعتبار به صورت بلند مدت مشکل بود، تمام اعتبارات به صورت کوتاه مدت و میان مدت دریافت گردید و تمایل خود وزارتخانه‌ها نیز تا پایان سال ۷۱ این بود که پروژه‌ها را بطور نقدی انجام دهند. در این بدهی‌های کوتاه مدت دولت را ۹ میلیارد دلار اعلام کرد و گفت در سال جاری مقداری از آن سر رسید می‌شود.

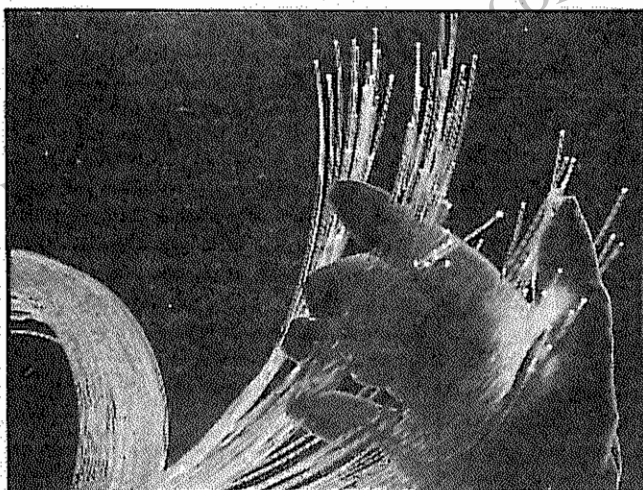
در باره تمدید مهلت بازپرداخت بدهیهای معوقه جمهوری اسلامی، عادلای اظهار داشت: بدهیهای معوقه تمدید نشده بلکه وامی از سندی بیکاری از بانکهای کشورهای طلبکار دریافت شده که به وسیله آن بدهی‌ها به شرکتهای آن کشور پرداخت می‌شود. آقای عادلای میزان بهره این وام را ۵/۵ تا ۳/۷۵ درصد اعلام کرد و افزود: حداکثر حدود یک درصد به

عادلای رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی در سخنرانی خود در جریان «چهارمین کنفرانس سیاستهای پولی و ارزی» با اشاره به بدهیهای خارجی جمهوری اسلامی، گفت: طی برنامه اول با احتساب فانیانس‌های انجام شده (منظور خریدهای نسبی از خارج) ۱۰۷ میلیارد دلار هزینه شده که فقط ۹ میلیارد دلار از اعتبارات خارجی تاکنون سر رسید شده است. وی گفت: کلیه بدهیهای کوتاه مدت، بلند مدت و میان مدت سر رسیده شده ایران تا پایان سال ۲۰۰۶ میلادی ۱۸ میلیارد دلار است.

رئیس کل بانک مرکزی این میزان بدهی را «تا جیز» خواند و گفت: نسبت بدهی خالص خارجی به تولید ناخالص داخلی که در کشورهای در حال توسعه ۲۲ درصد و در کشورهای در حال توسعه نفتی ۴۲ درصد می‌باشد، در ایران حدود ۲۱ درصد بیشتر نیست.

درباره علل بدهکار شدن دولت جمهوری اسلامی عادلای گفت: در ابتدای برنامه ۵ ساله اول هیچکس پیش بینی نمی‌کرد که قیمت نفت کاهش یابد و کلیه پیش بینی‌ها حول محور ۲۲ دلار برای هر بشکه بصورت خوشبینانه و ۱۸ دلار بصورت

نخستین کارخانه تولید فیبر نوری آغاز بکار کرد



نخستین کارخانه تولید فیبر نوری و سلول خورشیدی در ایران روز ۲۹ اردیبهشت فعالیت خود را آغاز کرد. کارخانه نوری تولید شده در این بخش انتقال مخازن، در مصارف پزشکی و صنایع نظامی نیز کاربرد دارد.

استفاده از کابل‌های نوری در شبکه انتقال مخابراتی در ایران مدتی است شروع شده است و در حال حاضر در سیستم مخابرات تهران فیبر با تار نوری به عنوان واسطه میان مراکز مخابراتی مورد استفاده قرار گرفته است. در خطوط انتقال مخابراتی، کابل‌های نوری در قطره‌های بسیار کوچک جایگزین

تنها کارخانه پودر آهن در شرف تعطیلی است

کارخانه «متالورژی پودر آهن» تنها کارخانه تولید پودر آهن در کشور در آستانه تعطیلی است. این خبر در روزهای آخر اردیبهشت ماه جاری از سوی حسن تقوی راد مدیر عامل شرکت متالورژی پودر آهن اعلام شد: بنا به سخنان وی خط تولید پودر آهن با ظرفیت سالانه ۳ هزار تن متوقف شده است و خط تولید قطعه با ظرفیت سالانه هزار تن تنها با ۵ درصد ظرفیت خود به فعالیت ادامه می‌دهد. به گفته تقوی راد با فعال

در بازار بورس چه می‌گذرد؟

نوشته زیر نامه یکی از خوانندگان روزنامه سلام به سردبیری این روزنامه است که در آن گوشه‌ای از کار بازار بورس تهران منعکس است. و همین یک نمونه نشان می‌دهد آنچه که «خصوصی سازی» صنایع و واحدهای دولتی نام گرفته، چیزی جز «چوب حراج زدن» به دارایی و ثروت کشور نیست:

«در خیرها آمده بود که در تاریخ چهارشنبه ۲۱ اردیبهشت سال جاری ۷۶۴ هزار سهم شرکت ابوریحان توسط سازمان صنایع ملی ایران فروخته شده است. این فروش از زمره برنامه‌های واگذاری به بخش خصوصی در این سازمان است که در چند ماه اخیر شدت گرفته است. در این زمینه، چند نکته‌ی حائز اهمیت وجود دارد:

- ۱ - قیمت کارشناسی محاسبه شده در بازار بورس برای سهام کمبندارو، برای هر سهم حدود ۳۰۰۰ ریال است و قیمت تابلوی این سهم در روز معامله ۲۹۰۵ ریال بود. اما در این معامله هر سهم ۲۴۰۲ ریال معامله شد یعنی ۵۰۳ ریال کم تر از ارزش تابلوی بورس (و این نخستین بار در جریان واگذاری‌های سازمان صنایع ملی ایران است که سهام بدین ترتیب زیر قیمت کارشناسی عرضه شده است.)
- ۲ - آقای ... کارگزار

باهر نماینده مجلس:

۱۰ سال دیگر وارد کننده نفت خواهیم بود

چندی پیش عیسی کلانتری وزیر کشاورزی نیز در اظهار نظری مشابه، اعلام کرده بود، تا ده سال دیگر امکان تولید نفت برای صادرات به پایان خواهد رسید و اگر در بخش کشاورزی سرمایه گذاری لازم صورت نگیرد، مردم با خطر گرسنگی مواجه خواهند شد.

مهندس محمد رضا باهر، عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی طی سخنانی در دانشگاه آزاد رشت گفت با روند کنونی مصرف نفت ده سال دیگر ایران وارد کننده نفت خواهد بود. وی گفت با روند فعلی مصرف انرژی در کشور در ده سال آینده متحنی مصرف و تولید انرژی یکدیگر را قطع کرده و بهم می‌رسند.

پایان تاریخ: مرگ آخرین انسان

رنج و فشار بی‌پایانی بردوش آدمی سنگینی می‌کند. این وضعیت انسان را به نگاه مجدد به معنای زندگی و عزم و اراده‌ای دوباره وامیدارد. در وضعیت بحران زده و مه آلودی همچون امروز دوباره آن چیزی در نگاه انسان پدیدار می‌شود که پیوسته فراموش می‌کند و آن اینکه جهان را می‌توان دوباره طرح ریزی کرد و از نو بی‌افکند.

رمان تاریخ اگر یکبار بطور کامل هم نوشته شده باشد، باز هم می‌توان آن را بازنویسی و اصلاح نمود. هیچ نظم و نظامی حرف آخر تاریخ نیست. از اینرو سخن گفتن از پایان تاریخ هجو و بی‌معناست. تاریخ زمانی پایان می‌یابد که مرگ آخرین انسان فرارسد.

فرایتاگ: در حال حاضر خشونت، فقر، توپنه دارو دسته‌های پر نفوذ بر علیه یکدیگر، سیاستمداران فاسد و آلوده که سرنوشتی شوم و خونین را برای مردم رقم می‌زنند، کینه و نفرت میان اقوام و قبایل و خطر همیشگی جنگ داخلی همانگونه که شما در رمان خود تصویر کرده‌اید شاخص‌های اصلی حیات سیاسی - اجتماعی آفریقا را تشکیل می‌دهند. آنچه که اینک در رواندای گذر نیز تائید تاسف آور این واقعت تلخ است. با این وصف آیا نظر شما درباره پویایی تاریخ بیش از حد خوشبینانه نیست؟

اکری: من واقع بین هستم و با چشمانی باز به زندگی می‌نگرم. اینکه انسانها به چه کارهای پلیدی می‌توانند دست بزنند، اینکه ماهمین فردا می‌توانیم از یکدیگر حمام خون راه بیاندازیم و اینکه دوست و همدرد امروز من می‌تواند فردا به جلا د و جباری بی‌محابا بدل شود، این‌ها همه رامن می‌دانم. و نیز می‌دانم که انسانها با تغییر جوین المللی برای هر کار ناشایستی آماده‌گی دارند. این نگاه سخت بدبینانه من از تجربه‌ها و مشاهداتم در جریان جنگ بیافرا ناشی می‌شود. با اینهمه برام قابل پذیرش نیست که انسانها در برابر هر آنچه را که به آنها تحمیل می‌شود تسلیم و بی‌اراده‌اند. پایان مسرت بخش ترازی نژاد پرستی در آفریقای جنوبی مثال خوبی در این باره است.

فرایتاگ: روند استقرار دمکراسی در مین شما (نیجریه) سال گذشته یکبار دیگر به شکست انجامید. آیا این در جازدن تاریخ مایه یاس و دلسردی شما نشده است؟

اکری: راستش آنقدرها هم یاس بری نبوده‌ام. یکی از دلایلی که من امروز به نیجریه باز نمی‌گردم، تسلط دیکتاتوری نظامی بر آنجاست. من از این رژیم نفرت دارم، چون راه پیشرفت و توسعه کشور را سد کرده است. بدون آزادی نیجریه نمی‌تواند پیشرفت کند. ولی نباید از یاد برد که فرانکونیز دیر زمانی اسپانیا را در جنگال خود داشت، لیکن سرانجام دورانش به آخر رسید. در واقع نگاه ماننا باید در محدوده امروز باقی بماند، و گرنه یاس و سرخوردگی ما را به خود کشی رهنمون خواهد کرد. در نیجریه نیز روزی دیکتاتوری بر خواهد افتاد. ما تاکنون دوباره روند دمکراتیزه سازی کشور را آغاز کرده‌ایم و هر دو بار شکست خورده‌ایم. این همان چرخه آپیکراست که کتاب من حول آن دور می‌زند. ولی با رسوم و شاید هم با چهارم روند استقرار دمکراسی از گسست عاری خواهد بود و پیا موفقیات پیش خواهد رفت. در آن هنگام ما دمکراسی را با ویژه گیهای فرهنگی خویش در خواهیم آمیخت.

اکری: چنین خطری واقعی است. این خطر را می‌توان با خطر فاجعه زیست - محیطی مقایسه کرد که از رهگذر تخریب جنگلهای مناطق حاره در حال روی دادن است. از اینرو باید یک زیست شناسی فرهنگی یا به عبارت دیگر جنبشی برای حمایت از تنوع فرهنگی جهان پدید آید. مرگ پاره‌ای از فرهنگها خطر نابودی فرهنگ در وجه عام آن را به دنبال خواهد داشت. فکرمی‌کنم که غرب بتدریج بهای گزافی را که باید برای انقلاب صنعتی بپردازد، درک خواهد کرد. آفریقا بی‌پناه و فاقد نیروی ایستادگی نیست شیوه زندگی آفریقایی توانایی دمسازی شگرفی با پدیده‌های نوین دارد. این فرهنگ می‌تواند هر چیز نو را در خود جذب

خالی، در بدروبی هدف در خیابانها پرسه می‌زند به فکر نوشتن یک داستان کوتاه افتادم. هر بار که این داستان را بازنویسی می‌کردم تا ریشه‌ها و گره‌های آن را آشکارتر کنم، می‌دیدم که همان یادمانهای دهشتزای جنگ در حال احیا و هجوم آوردن به ذهنم هستند. فرایتاگ: آیا آفرینش ادبی شما از سنن و فرهنگ آفریقا متأثر است؟ اکری: من در محیطی پرورش یافته‌ام که سنت روایت و داستانهای شفاهی بسیار غنی و رایج است. مادرم داستانهای پیوسته و دنباله داری را برایم تعریف می‌کرد. شامگاهان همراه با بچه‌های هم سن و سال در میدان ده، زیر نور ماه جمع می‌شدیم و بزرگترها برایمان قصه می‌گفتند. در دوران کودکی من



کرده و درونی خود کند. از این رو سخن گفتن از تسلیم و مرگ فرهنگهای غیر غربی باوه و بی‌معناست. یکی از جنبه‌های مهم نویسنده‌گی من نشان دادن پایداری و مقاومت معنوی و فرهنگی انسان است. به گمان من یکی از وظایف نهان انسان جامعه پیرامونی حفظ و پاسداری از تنوع فرهنگی جهان می‌باشد.

فرایتاگ: نماد مقاومت در رمان شما پدر راوی داستان (پدر بچه آبیگو) است که از کارگری روزمزد به یک مشت زن (بوکسور) بدل می‌شود و سپس با ایجاد یک حزب سیاسی در صدد اجرای عدالت و برابری بر می‌آید. آیا شما با پروراندن این شخصیت در رمان خود قصد اشاره به جنبش انقلابی مشخصی در آفریقا را داشته‌اید؟

اکری: من در نوشتن رمان چنین قصدی را دنبال نمی‌کنم. برای من هر شخصیت رمان موجودی زنده است که منش و سیمایی یگانه و خود ویژه دارد. در مورد نقش فریاد شده (پدر راوی) این باور من تاثیر داشته است که انسانها بر یاس و بیم خود در مبارزه‌ای درونی فائق می‌آیند و به رویا پردازان و امید انگیزی می‌آغازند. و اینها کارهایی هستند که برای تداوم زندگی بشر از اهمیت والا برخوردارند. چنین انسانهایی به آن چیزی وقوف دارند که ما پیوسته و به آسانی فراموش می‌کنیم: نیروی شگرف زندگی برای تغییر و تحول، باز آغازی و نوزایی. آنچه که مرگ در باره زندگی به ما می‌آموزد همانا بنیانهای استوار و خلیل ناپذیر و روان اراده آدمی است. بهترین ایده‌ها برای تغییر و تحولات اجتماعی معمولاً در دوره‌های پدید می‌آیند که

همه‌جا را پر از دیوان و اشباح و ارواح می‌دیدم و در ذهنم اتفاقات غیر قابل باوری روی می‌دادند. درختان با من صحبت می‌کردند، رودها به هیبت زنان در آمده و آواز می‌خواندند. همه چیز در نگاهم زیستمند و زنده به نظر می‌رسید و مرگ برایم معنا و مفهومی نداشت. این احساس امروز نیز قسماً در بر خورد من با واقعیات، زنده و تاثیر گذار است.

فرایتاگ: استفاده ادبی شما از "بچه آبیگو" (بچه شیخ ماندی که در رمان "خیابان گرسنه" نقش راوی را دارد) و ترانسمندی‌های او در رویا پردازی و ایجاد ارتباط با اشباح یاد آور جنبه‌هایی از مانیتسم اروپایی است. چه رابطه‌ای میان سنن ادبی اروپا و جان پرستی (Animism) دید گاهی که همه اشیا را دارای جان و روان می‌دانند. (م آفریقایی وجود دارد؟

اکری: مانیتسم اروپایی تلاشی برای احیای یک هویت فرهنگی فراموش شده بود. روندهای جاری در آفریقا غم انگیز و نگران کننده‌اند، چرا که بسیاری از بنیانها و ریشه‌های فرهنگی این قاره در معرض خطر است. شوق و جستجو برای دستیابی به حیاتی با ریشه‌های ژرف آفریقایی را باید واکنشی در برابر روند فوق بشمار آورد. این جستجو یا به عبارت دیگر تلاش برای بازگشت و رویکرد دوباره به ریشه‌ها را می‌توان مانیتسم در شکل امروزی آن تلقی کرد.

فرایتاگ: ولی آیا آفریقا با ضعف سیاسی و اقتصادی خود در رویارویی با هجوم رسانه‌های الهام گرفته از فرهنگ غرب متفعل و ناتوان نیست؟

بن اکری (Ben Okri) اهل نیجریه است و ۳۳ سال بیشتر ندارد، لیکن با سه رمانی که تاکنون منتشر کرده در ردیف نامدارترین نویسندگان معاصر جهان قرار گرفته است. رمانهای اکری که عمدتاً به دشواریها و چالش‌های انسان جامعه پیرامونی می‌پردازند به لحاظ سبک، ساختار و زبان کثش و گیرایی خاصی دارند. تایم مجله معروف آمریکایی چندی پیش از اکری به عنوان یکی از بهترین نویسندگان که کتابهایش تنوع فرهنگی جهان را بازتاب می‌دهد یاد کرد. رمان سوم اکری با نام "خیابان گرسنه" (Street Hungery) به تازگی انتشار یافته است. بدین مناسبت هفته نامه آلمانی فرایتاگ گفتگویی با اکری انجام داده و در آن نظری راد درباره فرهنگ و چگونگی تداوم آن، دشواری دستیابی به دمکراسی، جویا شده است. برگردان بخشی از این مصاحبه را در زیر می‌خوانید. گفتنی است که نظریه "پایان تاریخ" را نخستین بار فرانسیس فوکویاما از کارمندان عالیرتبه دولت آمریکا در سال ۱۹۸۹ و با آغاز فروپاشی اتحاد شوروی مطرح نمود. به نظر فوکویاما "پایان تاریخ" به این معناست که دمکراسی لیبرالی غربی آخرین شکل حکومت بشری و "آخرین کلام" تاریخ بشر است، و الگوی دیگری توان مقابله با آن را ندارد.

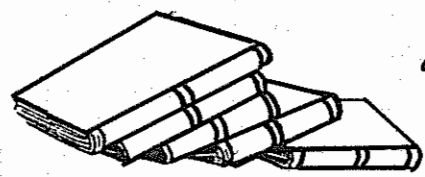
فرایتاگ: آقای اکری! شاخص زندگی شما جایابی پیوسته میان آفریقا و اروپا است. از مهاجرت و رفت و آمد میان این دو بخش جهان چه تجربه‌ها و رهیافت‌هایی دستگیرتان شده است؟

اکری: من سال ۱۹۶۱ در مینا (از مناطق مرکزی نیجریه) تولد یافتم و دو سال اول کودکی را در همانجا بزرگ شدم. پس از آن پدرم برای تحصیل در رشته حقوق عازم لندن شد که ما هم در این سفر همراهش بودیم. در آنجا من دوستان بسیاری پیدا کردم و در عین حال اولین مورد نژاد پرستی را نیز به چشم دیدم، آن هم زمانی بود که اهالی محله پدرم را بخاطر پیوست سیاهش با سنگ مورد حمله قرار دادند. یک روز مادرم شنیدم که ما دوباره به نیجریه برمی‌گردیم. دوستان من از آفریقا داستانهای برای من تعریف کرده بودند که موبیر اندام انسان راست می‌کرد، از شیرها و بیبرهای آزادورها در خیابانها و از مردمانی که در جنگلهای زندگی می‌کنند. اما آنچه که من در بازگشت به نیجریه مشاهده کردم کاملاً متفاوت با این داستانها بود. در خیابانهای آنجا نه شیر و ببر بلکه موتورسیکلت‌ها در حال حرکت بودند و تنها انسانهایی که در میان درختان دیدم، دوقف بودند که به فروش شراب نخل اشتغال داشتند. شش ماه بعد جنگ داخلی بیافرا شعله ور شد که به تغییر سریع و بنیادین زندگی من انجامید. من مرگ را پیش چشمان خود دیدم، خویشان و بستگانم از پا درآمدند و همکلاسیهایم آماج تیر شدند. ما می‌بایست خود را مخفی می‌کردیم، مادرم آسیمه وره گم کرده از این ده به آن‌ده می‌رفت. خود من اگر زبان شورشیان رانمی‌دانستم جان سالم بدر نمی‌بردم. این مشاهدات و تجربه‌ها را من ۱۷ سال تمام در ذهن خود پنهان داشتم و به نحوی نادراز بیان و بازگویی آنها سر باز زدیم. پس از آنکه دوباره به لندن بازگشتم، یک روز سرد زمستانی در اوج بی‌خانمانی و در حالیکه با جیب

فرهاد غبرایی مترجم توانای ایران در گذشت!

معروف ویلیام فالکنز نویسنده شهیر آمریکایی انتشار یافته است. غبرایی پیش از انقلاب مدتی زندانی سیاسی رژیم شاه بود. کار در گذشت فرهاد غبرایی را به اهل قلم و یازماندگان آن فقید تسلیت می‌گوید.

با کمال تاسف اطلاع یافتیم که فرهاد غبرایی مترجم توانای ایران در جریان یک حادثه رانندگی در شمال کشور جان خود را از دست داده است. غبرایی آثار متعددی از ادبیات جهان را به فارسی برگردانده و اخیراً نیز چاپ دوم ترجمه او از رمان "حریم اثر



تازه‌های کتاب

"جهان داستان"

جمال میرصادقی داستانها را و نقد معاصر اخیراً گردیده‌ای از داستانهای کوتاه جهان را با عنوان "جهان داستان" منتشر کرده است. چرخش، گورکی، جویس، آندرسن، کافکا، همینگوی، هیوز، بورخس و... از جمله نویسندگان هستند که آثار آنها در "جهان داستان" چاپ شده است.

جمال میرصادقی داستان نویسنده و نقاد معاصر اخیراً گردیده‌ای از داستانهای کوتاه جهان را با عنوان "جهان داستان" منتشر کرده است. چرخش، گورکی، جویس، آندرسن، کافکا، همینگوی، هیوز، بورخس و... از جمله نویسندگان هستند که آثار آنها در "جهان داستان" چاپ شده است.

"قبایل و عشایر عرب خوزستان" و "حکایت بلوچ"

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بلوچستان. مقدم در این کتاب دو جلدی روایتی سفرنامه‌ای را با آمار و ارقام درهم آمیخته و تجربه‌ها و رهیافت‌های سفرهای متفاوتی که ظرف بیست سال گذشته به منطقه داشته را پیش روی خواننده نهاده است. حکایت بلوچ ژرفای فقر و عقب ماندگی بلوچستان را به خوبی تصویر می‌کند و زندگی هم میهنان بلوچ ما که از رهگذر جوهر طبیعت و بی توجهی شیخ و شاه مالان از رنج و محرومیت است را باز می‌نماید و توضیح می‌دهد.

تاریخ و فرهنگ هم میهنان عرب خوزستانی ما کمتر مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است. کتابی که اینک یوسف عزیز بنی طرف نویسنده و مترجم معاصر انتشار داده، گام بلندی است در راستای رفع این کمبود. نویسنده در این کتاب چگونگی مرکزیت یافتن اهواز و هویره در خوزستان را بررسی می‌کند، آئین‌های فصلی اعراب این منطقه را توضیح می‌دهد و به معرفی شعرو موسیقی آنها می‌پردازد. کتاب "حکایت بلوچ" نوشته دکتر محمود زند مقدم نیز تلاشی است در ارائه تصویری از سیمای

"کتاب شناسی انقلاب مشروطیت ایران"

کرده که در آن ۸۰۰۰ کتاب، رساله، مقاله و... در باب انقلاب مشروطیت با نام و نشانی معرفی شده‌اند. این راهنما که "کتابشناسی انقلاب مشروطیت ایران" نام دارد به زودی از سوی مرکز نشر دانشگاه تهران منتشر خواهد شد.

جنبه‌ها و جوانب گوناگون انقلاب مشروطیت در هشتاد سال گذشته از سوی بسیاری از پژوهشگران مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. علی‌پور صفر برای سهولت دسترسی به این بررسی‌ها و پژوهش‌ها یک کتاب راهنما تدوین

"تورادوست دارم چون نان و نمک" و "ما بسیاریم"

انساندوستانه، آزادی ستا و دادجویانه ناظم حکمت نمود چشمگیری دارد. ترجمه شعرهای "تورادوست دارم چون نان و نمک" کار احمد پوری است. "ما بسیاریم" نیز مجموعه شعری است از پایلو نرودا شاعر بزرگ و آزادخواه شیلی. برنده جایزه نوبل ۱۹۷۱. این مجموعه که نیاز معقوبشاهی - و طالع آن را به فارسی برگردانده‌اند، متن انگلیسی شعرها و نظرات شاعر درباره شعر، ادبیات و زندگی را نیز شامل می‌شود. "ما بسیاریم" رانشر زمانه منتشر کرده است.

ناظم حکمت شاعر انقلابی، بنیانگذار شعر آزاد ترکیه و از نام آوران شعر معاصر جهان است که چندین اثر وی به فارسی نیز ترجمه شده‌اند. "تورادوست دارم چون نان و نمک" مجموعه‌ای است از اشعار تغزلی و عاشقانه این شاعر مدار که به تازگی از سوی نشر چشمه منتشر شده است این مجموعه گزینه‌ای است از سروده‌های ناظم حکمت در فاصله ۱۹۳۸ تا ۱۹۶۳ (سال مرگ شاعر) که عشق و تب و تاب‌های درونی ویاس و امید او را به خوبی بازتاب می‌دهد. در خلال همین شعرهای عاشقانه نیز گرایش

گزار
آگهی فرهنگی می‌پذیرد!

خوب بود عصر اطلاعات

برگردان: ح - بهداد

قسمت اول

رادر خود جای داده است. یک شیمیدان باید سالانه حدود ۶۰۰ هزار گزارش آزمایشگاهی، رساله دکتری و متنهای تخصصی را مطالعه کند تا بتواند دانش خود را با یافته‌ها و اطلاعات نوین هماهنگ سازد و این کاری ناشدنی است. نتیجه آنکه چنین شیمیدانی در قیاس با آخرین مجموعه یافته‌ها و اطلاعات رشته خویش بی‌بوسته بی‌اطلاع و ناآگاهتر می‌شود.

روانشناسان ارتباطات دریافته‌اند که چنین حالتی به خود کم‌بینی انسان راه برده و عدم اطمینان و ناهنجاریهای رفتاری را در ادمین می‌زند. نویسنده‌گان می‌پرسند: "آیا رسانه‌های گروهی ما را بیمار می‌کنند؟" و از این رینگ روانکاواهل وین بالحنی هشدار گرفته از آنسردگی ناشی از فزونی بیش از حد اطلاعات "سخن می‌گوید. دولت‌زاین هم اینک اندازه گیری میزان اطلاعاتی که به یک انسان می‌رسد را در دست اجرا دارد. بر مبنای این سالانه از طریق تلویزیون، رادیو، روزنامه، گفتگوها و تبلیغات ۴۸۳ میلیارد واژه فرود می‌آید. کافی است در نظر آوریم که میزان ذکر شده یک عدد ۱۸ رقمی را تشکیل می‌دهد.

آینده پژوهشان و دانشمندان علوم طبیعی و انسانی دوران برجسته‌ای از تکانه و لرزه در ارکان قدرت را پیش بینی می‌کنند. این دوران با چنان پویایی و دینامیزی بشریت را در بر می‌گیرد که گویی ماشین بخار، اتومبیل و تلویزیون در عرض یکسال کشف شده‌اند.

تخیل و واقعیت در ذهن انسان و بی‌پروژه در ذهن خرد سالان در هم می‌آمیزد. نسل جدید فیلمهای جنگی و خیرهای مربوط به جنگ را چندان از هم تمیز نمی‌دهد. تفاوت میان قتل در یک فیلم جنایی و یک قتل واقعی برای بچه‌ها تنها زمانی آشکار می‌شود که بزرگترها برایشان توضیح دهند. پژوهش‌های انجام شده در سوئد نشان می‌دهد که نزدیک به ۴۰ درصد کودکان تا ۱۱ سال معتقدند که زندگی انسان فقط در نتیجه قتل و ضربات مرگ آمیز به پایان می‌رسد. به دیگر سخن کودکان همه آنچه را که در تلویزیون می‌بینند، واقعی تلقی می‌کنند. در واقع عبارت معروف "من می‌اندیشم، پس هستم" به "من می‌بینم، پس هستم" تغییر یافته است.

آینده پژوهان و دانشمندان علوم طبیعی و انسانی همچون اولین تافلر دوران برجسته‌ای از تکانه و لرزه در ارکان قدرت را پیش می‌کشند. این دوران با چنان پویایی و دینامیزی بشریت را در بر می‌گیرد که گویی ماشین بخار، اتومبیل و تلویزیون در عرض یکسال کشف شده‌اند.

از عمر قدیمی‌ترین حامل اطلاعات یعنی زبان ۵۰ هزار سال می‌گذرد. ۵۰۰۰ سال پیش خط بوجود آمد و ۵۰۰ سال پیش چاپ رواج یافت. از پیدایش فیلم پیش از صد سال نمی‌گذرد و تلویزیون فقط ۷۰ سال دارد. سال ۱۹۳۸ کتار سوزنه مهندس اهل برلین اولین ماشین حساب قابل برنامه ریزی را اختراع کرد. اولین ماهواره خبری یعنی تله استار سال ۱۹۶۲ به فضا پرتاب شد و اختراع اولین ویدئو سال ۱۹۶۹ انجام گرفت. اما امروز تحولات و پیشرفت‌های الکترونیکی ماه به ماه صورت می‌گیرد. با وجود آنکه یکسال بیشتر از تولید تراشه‌ها (چیپس‌های) ۱۶ مگا بیتی نمی‌گذرد، معهذاً قرار است که امسال (۱۹۹۴) تراشه‌های ۶۴ مگا بیتی به بازار عرضه شوند. هم اینک در ژاپن اولین مخابره تلویزیونی از طریق فشرده و متراکم سازی داده‌ها صورت می‌گیرد. در این سیستم تصاویر صدها شبکه تلویزیونی تنها بوسیله یک سیستم یک رشته‌ای مخابره می‌شوند.

ایستگاههای موسوم به "پای-پر-ویو" (Pay-Per-View) که بینندگان آنها بوسیله فشار یک دکمه فیلم مورد علاقه خود را تماشا می‌کنند، تا پایان سده جاری دیگر جایی برای فعالیت ویدئو کلپها باقی نخواهند گذاشت. تا پایان قرن حاضر یک دستگاه چند رسانه‌ای به بازار خواهد آمد که همه وسایل ارتباطی از کامپیوتر، فاکس و تلفن گرفته تا تلویزیون را یک جا در خود خواهد داشت. کسی که بخواهد از پس هجوم اطلاعاتی چنین دستگاههایی برآید به گفته نیکولاس نگروپونه سرپرست آزمایشگاه رسانه‌های گروهی در پژوهشگاه تکنولوژی ماساچوست به دستگاههای دیگری نیاز خواهد داشت که برای مثال شبانه، روزنامه‌های (طبعاً الکترونیکی) را بخواند و صبح روز بعد چکیده‌ای از آنها را به صاحب خود ارائه کند.

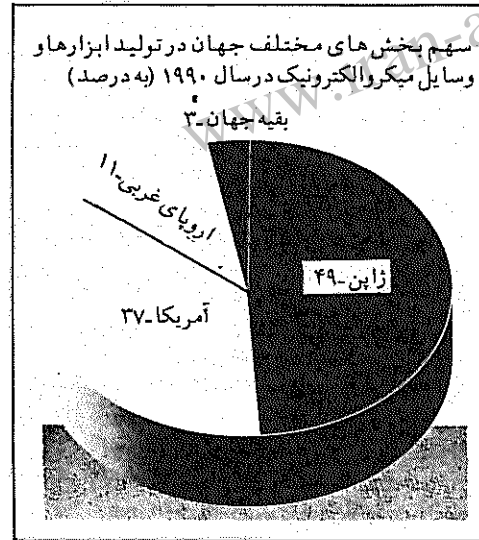
در باره تحولاتی که جهان به خود خواهد دید در میان کارشناسان بحث و جدل جریان دارد. بدینانی همچون نیل پست من منتقد آمریکایی تکنولوژی، تصویری تیره و تار از آینده به دست می‌دهند که در آن کنسرنهای اطلاعاتی و تکنولوژیک فراقدرتمند و غیر قابل کنترل

انسانها را در حماقت و ناآگاهی نگه می‌دارند و در عین حال فیلسوفهای خوش بین به آراء و اندیشه‌های مارشال مک لوهان نظریه پرداز فقید کانادایی (۱۹۸۰) چشم دوخته‌اند. مک لوهان بر آن بود که سیاره زمین در حال تبدیل شدن به یک "هکده جهانی" است که در آن در قیاس با گذشته، دمکراتیک ترین وضعیت حکمفرما خواهد بود.

واقعیت اما چیزی در حد فاصل این دو نظریه خواهد بود، زیرا برای هر دو دیدگاه نشانه‌ها و دلایلی وجود دارند و همه گرایشها و روندهای عمده تحت الشعاع گرایشهای کوچک تر قرار می‌گیرند: گستره و عرصه‌های اجتماعی پیوسته جابجا می‌شوند و در عصر اطلاعات کسی به اقتضای رایلی جامعه تعلق خواهد داشت که بتواند سریعاً به اطلاعات دسترسی یافته و آنها را به نحوی سودمند مورد ارزیابی و استفاده قرار دهد و کارگر جامعه اطلاعاتی کسی خواهد بود که در برابر جریان برق آسای اطلاعات ها ج و اج بماند، در منشا و چگونگی پیدایش اخبار در رنگ نورد و رسانه‌های گروهی را عمده‌تبار برای سرگرمی به کار گیرد.

قدرت اجتماعی نیز از نهاد های سیاسی به رسانه‌ها منتقل خواهد شد. همانگونه که زمانی صنعت چاپ مورعیت کشیشان را به عنوان رابطین خدا و انسان منزلت نمود، گسترش رسانه‌های گروهی نیز از وزن و اهمیت سیاستمداران به مثابه رابط میان انسانها و قدرت خواهد کاست. از ارزش و اهمیت استقلال و فرهنگ ملی نیز کاسته خواهد شد و فرمول میان کشورها نیز در نتیجه گسترش شبکه جهانی اطلاعات بی‌رنگ تر خواهد شد. سرمایه در جهان اول فارغ از کنترل‌های مرکزی و به دور از چشم اتحادیه‌های کارگری و پلیس و با بهره گیری از انتقال داده‌ها و اطلاعات از خدمات راه دور و ارزان مردم جهان سوم بهره مند خواهد شد.

عرصه‌های کاری و حرفه‌ای نیز بی‌بوسته تغییر و تحول می‌یابند، حرفه‌های کهنه منسوخ و جای خود را به حرفه‌های جدید تر می‌دهند. آموزگاران به مدیران اجتماعی بدل می‌شوند و ماشین‌ها انتقال دانش و آگاهی را



به عهده می‌گیرند. احکام قضایی را کامپیوترها صادر می‌کنند و حتی پزشکان نیز به گونه‌ای دم افزون جای خود را به آدم‌واره‌های (روبوتهای) هدایت‌شونده از راه دور می‌دهند.

ساختارهای اقتصادی و کارفرمایی نیز در موارد تیزه می‌شوند. تا چند دهه پیش تنها صاحبان کارخانه‌ها راجع به جنبه‌های مختلف کار کارخانه خود اطلاعات کافی و واقعی داشتند، اما در آینده موفق‌ترین کارخانه‌ها خواهند بود که همه کارگزارانش در باره محصولات، روند تولید بازارها و رقبا به خوبی آگاه و مطلع باشند.

ترکیب و آرایش قدرت بین المللی نیز دستخوش تغییر خواهد شد. غولهای صنعتی به رده‌های دوم و سوم رانده خواهند شد و جوامع فراقولتروژیک به قدرتهای برتر جهان فر خواهند روید. بخش تصاویر تلویزیونی نقاط ثروتمند جهان در کشورهای جهان سوم مردم این دیار را به دستیابی به زندگی بی‌مرغه تر و سوسه خواهد کرد و بدینسان بر شدت و ابعدا می‌جرتها افزوده خواهد شد. دیکتاتورها سقوط خواهند کرد، چرا که خلقهای سرکوب شده از رهگذر شبکه جهانی اطلاعات از مزایای دموکراسی آگاهی و اطلاع بیشتری می‌یابند.

قدرت و رفاه جایی تمرکز پیدا خواهد کرد که ساختارهای اقتصادی، اطلاعاتی و تکنیکی در پیشرفته ترین و قوی ترین موقعیت خود باشند. آنچه که همه روندهای یاد شده را نا پایدار و پیش بینی ناپذیر می‌سازد، همانا غیر قابل کنترل بودن آنهاست. تکنولوژیهای ارتباطی جدید قوانین و بر بیست‌های خاص خود را دارند و تاثیرات اجتماعی آنها برگشت ناپذیر و نازدونی است. همانگونه که دانشمندان، شرکتها و سیاستمداران

زمانی بدون توجه کافی به پیامد اقدام خود، گسترش و توسعه صنایع شیمیایی، اتمی و ژنتیک را مورد حمایت قرار دادند، اینک نیز به حمایت از تکنولوژیهای ارتباطی برخاسته‌اند اما پیامدها و عواقب این حمایت این بار گسترده تر و زیانمند تر خواهد بود.

اگر با یک ضربه کلیه کامپیوترها، فرستنده‌ها و انتقال گرهای داده‌ها و اطلاعات از کار بیفتند، نوعی هرج و مرج مدنی روی خواهد داد که میلیون‌ها کشته و فجایع طبیعی به بار خواهد آورد و انسان را به دوران قرون وسطی باز خواهد گرداند.

تاثیرات ناخواسته ناشی از پیشرفت ارتباطات تدریجا و بسیار آهسته آشکار می‌شود. در جمهوری فدرال آلمان برای مثال سیاستمداران از این واقعیت انتقاد می‌کنند که فرستنده‌های خصوصی با بخش دم افزون برنامه‌های سکسی و خشونت آمیز در صدد جلب بینندگان بیشتری هستند. کارشناسان رسانه‌ای دموکرات مسیحی، حزبی که تقریباً یک دهه پیش قانون آزادی فعالیت فرستنده‌های خصوصی را به تصویب مجلس رساند توجه نداشتند که چنین فرستنده‌هایی عمده‌تبار اهداف اقتصادی را دنبال خواهند کرد و به علائق و مصالح اجتماعی اعتنای چندانی نخواهند کرد. و حال که دیگر هر کسی مطابق میل خود فرستنده دلخواهش را می‌گیرد، حامیان اخلاقی و فیلسوفها شروع به هشدار دادن کرده‌اند. به نظر آنها دوران جدید، تیب‌های جدیدی به بار خواهد آورد که چیزی جز انسانهای میان نهی نخواهند بود. چنین جهشی با سست شدن پیوند انسان با واقعیت شروع می‌شود.

تصاویر تلویزیونی به گونه‌های فزاینده جا یگزیب زندگی واقعی می‌شوند. فایده‌یاب کرن پژوهشگر آمریکایی روندها و گرایشهای آینده را غم انگیز پیش بینی می‌کند که در آن انسانها تنها و منزوی می‌زند و به یکدیگر اعتمادی ندارند. اسپر سو مجله معروف ایتالیایی شعار انسانهای رسانه‌ای را چنین فرمول بندی می‌کند: "من بدون تماسی تلویزیون زنده نمی‌مانم." و نیویوریک سر نوشت انسان منزوی و احاطه شده از سوی شبکه‌های تلویزیونی را اینگونه تصویر می‌کند: "تکنیک عالی، مبل و سیب زمینی. یعنی زندگی انسان منزوی آینده با تکیه دادن بر مبل، خوردن سیب زمینی سرخ شده و تماشا می‌تولیزون و با کار با کامپیوترهای پیشرفته سپری خواهد شد. کامیله با گیلا فیلسوف آمریکایی نیز موقعیت انسان معتاد به تلویزیون را اینگونه تصویر می‌کند: "تکنیک عالی، مبل و سیب زمینی." بدون تلویزیون من بزاز در درونج می‌شوم، توان نفس کشیدن را از دست می‌دهم و ترس ناشی از حضور در اتاقی در بسته وجود را فرامی‌گیرد.

تلویزیون مدت‌هاست که دیگر نه وسیله سرگرمی ایام فراغت، بلکه وسیله‌ای است که بسیاری از انسانها تاریخ معاصر را در آن تجربه می‌کنند؛ این تاریخ هم می‌تواند جنگ خلیج فارس باشد بر صفحه تلویزیون که به یک بازی کامپیوتری شباهت داشت و هم می‌تواند فروریزی دیوار برلین باشد که در محبویه آن یک جوان ساکن برلین شرقی تبلیغی دیناره "کانال تلویزیونی موزیک" (MTV) را بر فراز دیوار آویزان نمود.

ماتیاس کاسته مایر متخصص اخلاقیات از بی‌رنگ شدن واقعیت سخن می‌گوید، زیرا به قول خانم باربارا متلر "سیاست شناس و کارشناس امور اقتصادی، رسانه‌های فراگیر به نحو فزاینده‌ای میان انسان و تجربه‌های واقعی و حایل شده و جدایی ایجاد می‌کنند. متلر بر آن است که "بزرگوار فعال انسان با انسان جای خود را به رابطه "انسان-ماشین-ارتباطات" می‌دهد.

جدایی از واقعیت مشهود و ملموس به محدودیت و یکسوزنگری قوه درک و تصور انسان می‌انجامد. این روند خود به کم رنگ شدن واقعیت در نزد انسانها و عدم انعکاس آن در ذهن راه می‌برد. "در یک کزک هف روانشناس رسانه‌های فراگیر (Medienpsycholog) از تورنسو، گرایش به

ورزشهای خطرناک را نشانه از خود بریدگی انسان و عدم کنترل وی بر رفتار خود می‌داند که اینها همه به قول وی از ثمرات تکنولوژیهای جدید می‌باشند. جهان مصنوعی غلط انداز رسانه‌ها احساس و درک واقعی را در انسانها می‌کشد و این دقیقاً همان جدایی جسم و روان است که ویلم فلورس "فیلسوف چک از آن به عنوان "از خود بیگانگی بزرگ انسان" یاد می‌کند. در واقع صفحه تلویزیون برای بیننده، سازنده و پدیدارنده واقعیت می‌شود. به گفته "کنت زرزن" روانشناس اجتماعی ساکن آمریکا، انسانها با مشاهده بروز خشم خفیف، اندیشیدن جدی و درنگ احتیاط آمیز بر صفحه تلویزیون، در تشخیص رفتارها و اقدامات واقعی از کنش‌ها و رفتارهای کاذب دچار سردرگمی می‌شوند. بنا به پیش بینی روانشناسان انسان پسامدرن روانی چند گانه دارد. به دیگر سخن وی انسانی است آمیب گونه و میان تهی که روانش به دیگ هم جوشی از نظرات و ادراکات عجیب و غریب و باورها متناقض شباهت دارد. به نوشته نشریه "روانشناسی امروز" تصمیمات و مناسبات چنین انسان پریشانی دیگر بوسیله ویژگیهای شخصیتی وی تعیین نمی‌شوند. به عبارت دیگر "من" چنین انسانی پیش از هر چیز در چهار چوب روابطش با دیگران شکل می‌گیرد. به عقیده "زرزن" خود آگاهی فردی یا روان انسان پسامدرن از رهگذر تنوع اطلاعات گویی که از هم می‌یابد و تنها در موقعیتهای مشخصی جامعیت خود را در باره باز می‌یابد؛ اما در این حالت نیز چیزی جز یک "من" فاقد هویت نیست.

بار دیگر از باورها

گفتگوارهای دربار اندیشه‌ها و باورهای سیاسی و فرهنگی

داد

داد از نگاه پیداد

امیر مبینی

(چنین گفت زرتشت)

از دیدگاه فرادستان و گزیدگان بدین مفرقه‌ها نگرست. و از این دیدگاه است که انسان درمی‌یابد مفهوم اخلاق و عدالت با مفهوم قدرت یگانه است. حق یعنی توانایی، و عدالت یعنی نظم مبتنی بر سطره مرد برتر، طبقه برتر و ملت نژاد برتر. اخلاق یعنی رفع هرگونه مانع معنوی برای اعمال قدرت خشن و بیرحمانه پیشوا و گروه گزیدگان جامعه. چه کسی می‌تواند درباره حق قضاوت کند؟ آنکه می‌تواند با تکیه بر قدرت و اسلحه اعلام کند که حق با اوست!

به نظر او (مسیح) همه مردم دارای ارزش یکسان و حقوق یکسان هستند، دموکراسی و سودجویی و سوسیالیسم از این عقیده تولید شده‌اند، معنی پیشرفت و ترقی از روی اصطلاحات فلاسفه طبقه عوام تعیین گشت: یعنی اصطلاحات برابری و ابتدال و انحطاط و فرومایگی. آخرین مرحله انحطاط رجم و فداکاری - احساس تسلی بخش جنایتکاران و سوءهاضمه اجتماع است. رجم یک هوس فلج کننده ذهن است و احساس بی‌حاصلی است برای بیماری درمان‌ناپذیر و ناشایستگی و نقص و جنایت... رجم ناشیگری علتی است (.. .) زرتشت - تاریخ فلسفه ویل دورانت - ترجمه زریاب خوبی.

چنانچه فلسفه سیاسی نیچه را از زوایا جدا و برپا به سمتگیری آن تکمیل کنیم آنگاه می‌توانیم در آن یک هرم بورق‌درت ببینیم که در راس آن پیشوا یا به گفته خود نیچه جانور سفید بیرحم موخرمایی قرار دارد و در قاعده آن نژاد بیرحم و جنگجوی موبور، که بدون تردید جز ژرمنهای آلمانی چیز دیگری نمی‌توانست منظور نظر باشد.

حد فاصل راس تا قاعده به ترتیب گروه برگزیدگان جنگاور و نژاد پداز، طبقه برگزیده بهره‌کشان موبور پایین دست آن ملت مطیع و جنگاور جای می‌گیرند. قاعده این هرم خود راس هرم بشریت نابرگزیده است. به عبارت دیگر برگزیدگان موبور پیشوا سروران بیرحم بشریت هستند. نیچه فریاد می‌کشد که: تاریخ و جامعه باید هدف داشته باشد. و هدف تاریخ و عبارات است از سطره بورهای برگزیده و مطیع ابرمرد بر کل بشریت، و سطره ابرمرد بر همه تاریخ.

در هرم زرتشت نیچه که می‌بایست با خون تعمیم بیابد و در آتش آبدیده شود قانون طبیعت و وحشی‌ها کم است. و در این سیستم ابلهانه تری کار نوشتن قانون و از آن ابلهانه تریا و به قانون و رعایت آنست. قانون یعنی زور و قضاوت یعنی اعمال قدرت و اخلاق یعنی زیربنا نهادن همه موازین اخلاقی به سود منافع خود و عدالت یعنی بحاکمیت عریان پیداد برپا به مراتب زور و تجاوز. نیچه همانگونه که در نیای نهان در نهاد ستم و استثمار را با همه خشونت و تبهکاری ترسیم می‌کند و از طریق تعمیم کامل قوانین و مناسبات تا نظر به هستی جانوران به جامعه بشری و ترسیم یک جامعه مبتنی بر قانون تنازع طبیعی شویبت نهفته در نهاد هستی زنده را در شدیدترین شکل آن به نمایش می‌گذارد. واقعیت دردناک این است که حرف نیچه درباره قدرت تخریب بشر درست است. می‌توان گفت که انسان به موازات تکامل فردی و اجتماعی خویش توحش نوعی خود را نیز تکامل داده است. توحش انسان متکاملترین نوع توحش است و قدرت تخریب آن قابل قیاس با قدرت تخریب مجموعه دیگر جانوران هم نیست. همه رفتار جانوران در دین چارچوب توحش آنان معلول نیازهای طبیعی آنهاست و بدین نیازها محدود است. جانور می‌کوشد تا سیر شود و زنده بماند و نوع خود را تکثیر کند. خشونت آن نیز به ارضاء این نیازها محدود می‌شود و قاعدتاً هرگز از آن فراتر نمی‌رود. اما توحش انسان نامحدود است، چون نیازهای انسان نیاز آفرین نامحدود است. بشر غالباً هرچه بیشتر به جنگ آورد بیشتر نیازمند می‌شود و هر چقدر به هدف نزدیک تر شود هدف از او دورتر می‌شود.

حداکثر خواست جانور یک شکم سیر و یک جای امن و انجام یک وظیفه جنسی است. در حالیکه خواست طبیعی در فرهنگ بشر مفهوم حداقل را دارد و حداکثر خواست او که برپا به نیازهای غیر طبیعی و خود ساخته شکل می‌گیرد غالباً از حداکثر توان او در حالت منفی آن از حداکثر توحش وی فراتر است. به عنوان مثال جنگهای خونین اول و دوم راسیترین طبقات سیرترین ملت‌های جهان برای غلبه بر یکدیگر و بلعیدن منابع زیستی مردم گرسنه‌ترین کشورها می‌باشد جهان براه انداختند. این بشر چنانچه خود خویش را مهار نکند، چنانچه خود برای هدایت خویش

قانون نگذارد و برپای توحش خویش زنجیر گران فرهنگ و اخلاق را نزند، چنانچه مطابق خواست امثال نیچه قانون تنازع طبیعی را راهنمای زندگی خویش قرار دهد و زور را معیار بگذارد و وحشی‌گری را بستاند، آنگاه به اهریمنی تبدیل می‌شود که صدای خایش گلوی گوزن زبردندان سیر شرزده در مقایسه با غریب توحش او یک موسیقی آرامش بخش است. اگر این وحشی‌نفته در ذات بشری از زنجیرهای گران فرهنگ و تمدن بیرون بگردد از هستی زنده در کوتاه زمان جز نشانی نخواهد ماند.

داریونیسم اجتماعی، کاپیتالیسم قرن نوزدهمی و ناسیونالیسم افراطی آلمانی در بستر فلسفه نیچه جفت می‌شوند تا "جانور بزرگ سفید موخرمایی" زاده شود و جهان در شر غرق کند. و این جانور تنها ۲۰ سال پس از مرگ نیچه، در سال ۱۹۲۰ در آلمان زاده شد. در این تاریخ حزب ناسیونال سوسیالیست کارگری آلمان (نازی) به رهبری هیتلر در شهر مونیخ آلمان تاسیس شد. و دود و دود پس از این تاریخ "ابرمرد نیچه جنگ جهانی را آغاز کرد تا آن هرم زرتشت را بر فرق بشریت بکوبد.

زمینه فلسفی - فکری فاشیسم و نازیسم در طول قرن نوزدهم فراهم آمد. ناسیونالیسم هگل و اندیشه‌های وی درباره دولت و دشمنی وی با لیبرالیسم، فرضیه‌های نژادی گوینو (۱۸۸۲ - ۱۸۱۶) و چمبرلین (۱۹۲۷ - ۱۸۵۵)، قهرمان پرستی و آزادی‌ستیزی و فلسفه خوارشماری بشر توماس کارلایل (۱۸۸۱ - ۱۷۹۵)،

داریونیسم اجتماعی و بالاخره فلسفه فردریک نیچه (۱۸۴۴ - ۱۹۰۰) شالوده‌ساز فلسفه و نگرش فاشیسم و نازیسم شدند. حتی شوپنهاور (۱۷۸۸ - ۱۸۶۰) بدین ریاضت ستا با فلسفه غیر عقلی خود (Irrationalism) و هموار کردن راه برای جانشین شدن پندار و کشف و شهود اشراق به جای تفکر و استدلال علمی و محور قرار دادن میل یا خواست و اراده در تفسیر زندگی بشر توانست مورد توجه اندیشه پدازان سیاست مافوق راست در اواخر قرن

نوزده و نیمه نخست قرن بیست قرار بگیرد. در واقع پایه فکری شوپنهاور و نیچه درباره زندگی بشر بسیار همگون است. تفاوت اساسی آن‌ها این است که شوپنهاور برای پرهیز از شر (که ناشی از امیال آدمی است) راه پرهیز را پیشنهاد می‌کند، یعنی راه کم کردن آگاهانه و ارادی خواست‌ها و جلوگیری از هدایت نفس توسط امیال، در حالیکه نیچه تسلیم به امیال، دامن زدن به آنها و نبرد هر چه شدیدتر دست زدن برای ارضاء این امیال را پیشنهاد می‌کند. آنها در استنتاج نهایی تفاوت دارند، یکی می‌خواهد کنار بکشد و یکی می‌خواهد به میدان کشیده شود. اما هر دو عمل باز به یک نتیجه واحد می‌رسند.

آنها می‌خواهند (آگاهانه یا ناآگاهانه) مردم را، جنبش دادار، عقل منتقد را، شورش سازنده را، شراره‌های ستم ستیز را از میدان بدر کنند. آنها با همه تراکت فلسفی - هنری خود نقش مشاوران و راهنمایان سرداران سراپا مسلح سرمایه تازه را در کاب جنگ نهاده و ایفا می‌کنند و با همان کلام سخت آراسته و شاعرانه خود سپاه شر را از جنگ می‌دهند و جنگ را به دقت علیه داد سمت می‌دهند.

می‌گویند و بسیاری می‌گویند که بر نیچه باید بخشید، چرا که او بی‌مبار بود و خود از خشونت و بیرحمی "ابرمرد" آفریده خویش بی‌بهره بود. می‌گویند که او بیشتر به جنبه‌های زیبایی‌شناسانه زندگی نظر داشت و فلسفه او شعر شکست آلود بود...

در این توصیه‌ها شیطنتی نهفته است، چرا که توصیه کننده‌ها می‌دانند که آنچه موضوع بحث است اندیشه و فلسفه هرگز زنده و هنوز موثر نیچه است و بر فلسفه‌ای که می‌گوید مردم بر انسان چگونه ارفاقی می‌توان رود داشت؟ و انگهی، حالت شوکرگه فلسفه نیچه تنها بدان نرمنی نمی‌دهد بلکه بر عکس نیروی تحریک کننده و اثر گذاران را صادر چندان می‌کند. و مگر همه پیامبران پیام خویش را کمابیش به گونه شعر یا نثر پرطنین و انگیزاننده ارائه نکرده‌اند، و مگر زیبایی شعر گونه بیان بر نفوذ آن گفتارها نیا فزوده است؟ واقعیت آنست که به قول هنری توماس نیچه سیاست ما کی‌اولی‌را به دین تبدیل کرد. دین بیداد. و جنبش داد با این دین و پیامبران و سرداران آن همواره در نبرد بوده است.

خود بخود از بین رفتند. فقط در جمهوری چک در خواست‌های آلمان‌های جنوب مینی‌ریا ز گردندان ملک و اموالشان به آنها و لغو بخشنامه‌های مربوط به کوچاندن نشان باعث عصیانیت حکومت گردید و از سوی آن رد شد.

بهر حال امواج خشم در اینجا و آنجا فروکش کردند. شعارهای دهن پرکن ناسیونالیستی دیگر مد روز نیستند، گرچه ضد کمونیستی هم باشند. عمل گرای و کارایی، طرفدار پیدا کرده‌اند و اینها نیز در چنته‌ی کمونیست‌های سابق پیدا می‌شوند. افرادی که قبلاً هوادار "نان و آزادی" بودند حالا خواستار نان و کار هستند.

وعده‌های سرمایه داری در اردوگاه کمونیسم چنان بازتاب قوی پیدا کردند، بطوریکه آنها را مگر کسی را چیزی بدون نقی انگاشتند. عبارت "خیلی‌زیبا، اما غیر واقعی" اعتراضی است که از زبان یکی از خوانندگان در روزنامه‌ی لهستانی "گازیتا و بیورچا" می‌خوانیم. اومی خواهد به خود و به خوانندگان دیگر جرأت پذیرش این را بدهد که: وقتی که ما کم کم خواب و خیال‌ها را کنار می‌گذاریم نیاید ناراحت بشویم؛ زیرا همین راهم برای عده‌ای باید بمنزله رشد تلقی کرد. اما خیلی‌ها در مرحله‌ی خیال‌بازی‌های

ادامه دارد

چرخش در چرخش

روزنامه‌ی تسایت - برگردان: رهرو

برگردانده شدند. گرچه در احیاء سنن قبل از جنگ مرزهای بعضی از آنها با تلافی‌جویی‌های افراطی و تمایلات ضد یهود و اراده گرای زایل شد. اروپای غربی به اروپای شرقی از دیدگاه غلطی نگاه کرد و از آن برای خود تصویر وحشتناکی کم‌ملاز شوونیزم، تجاوزگری، توسعه طلبی و جنگ کشید.

ترس از اینکه ممکن است در شرق اروپای مرکزی هم حوادث یوگسلاوی تکرار شود نشان داده شد که پایه ندارد. سلاو‌ها خیلی تمذدانه از چک‌ها جدا شدند. ادعای ارضی یک عده از مجاریها بر جنوب سلاو‌ها هرگز به سیاست خارجی مسلط تبدیل نشد. درگیری‌های این ممالک با اقلیت‌های خودشان که بدلا بل سیاست‌های داخلی بعضی اوقات حاد می‌شدند، با گذشت زمان

نظراً اخلاقی شرم آورتلقی می‌شد. آن زمان اعتراضات توده‌ها اجباراً حامل خواسته‌های لیبرال‌ها و محافظه‌کاران ملی بود و جهت ضد دیکتاتوری با مارک چپ راداشت. آزادی از برابری رایج تر بود و همین میل به آزادی به ناسیونالیزم جان تازه‌ای بخشید.

لژیک کولا فسکی فیلسوف می‌گوید: "مردمانی که ملتشان را می‌خواهند آزاد کنند با هم جوش می‌خورند، و جستجوی عبث‌دنیای بعد از کمونیسم بدنبال هویت ملی، شاهی برای این مدعاست. در اقصی نقاط اروپای شرقی، سنت‌هایی که بزور زور و خراج شده بودند دوباره احیاء گردیدند و از قهرمانان ملی اعاده حیثیت شد. آثار و علائم منفور دیروزه به جا بگناه تاریخی خودشان

در مقیاس سده نوزدهم و در شعاع فلسفه و تئوری حرف آخرداد و بیداد مارکس و نیچه زده‌اند. از ایندو اولی رهبر جنبش سوسیالیستی بود و دومی پیامبر جنبش فاشیستی شد. فردریک نیچه آورنده آیه‌های اهریمنی و "مژده" دهنده اهریمن به دیوستان غرب سرمایه هم حرف آخرا به آخرین جناح استثمار را جمع بندی کرد و هم مفهوم آخرین آخرین برداشت قرن نوزدهمی از "داریونیسم" اجتماعی را. نیچه برآمده از جریان راست فلسفه و تئوری سیاسی آلمان بود. اندیشه‌های هگل به ویژه درباره ناسیونالیسم آلمان و جایگاه دولت در جامعه، اندیشه‌های شوپنهاور درباره نقش خواست و اراده در سر نوشت انسان و جامعه، آموزشهای داریون در زمینه تکامل طبیعی و ضد آموزشهای داریونیسم اجتماعی درباره تاریخ و جامعه بشری، فضای خشن جامعه اروپایی آن روزگار، و در مرکز همه تهدید فزاینده اشرفیت و سرمایه داری از سوی سوسیالیسم نوپای پر خاشخوز زمینه ساز شکل گیری جنبش سیاسی - فلسفی نیچه بودند. در این میان باید به ویژه بر نقش دیدگاه ما کی‌اولی در تکوین دیدگاه نیچه‌ای تاکید کرد. ما کی‌اولی (۱۵۲۷ - ۱۴۶۹) به عنوان شیطان علم سیاست در سده‌های میانه با چنان بی‌پروایی پلیدترین نیت فرمانروایان و طبقات بهره‌کش آن روزگار علیه مردم و ملت آشکار کرد که در تاریخ پیش از آن کمتر سابقه دارد. اوبی‌کم و کاست با دهان اهریمن حرف می‌زد و در ندادی شیطان‌نوی و جاذبه‌ای هست که ستمگران و ستم‌دستان را ساخت مسحور می‌کند. از همین رو نیچه و "ابرمرد" او هیتلر هر دو مسحور این شخص بودند. نیچه می‌گوید همانگونه که یحیای تعمید دهنده ظهور عیسی را بشارت داد ما کی‌اولی نیز ظهور را نوید داد. اوستخ از ما کی‌اولی ستایش می‌کند و از مکتب سیاسی او حداکثر بهره‌را می‌گیرد. از آنجا که برای شناخت فلسفه سیاسی نیچه و جناح راست افراطی فلسفه سیاسی آلمان آشنا می‌باید اندیشه‌های ما کی‌اولی ضرورت دارد در اینجا خلاصه ببینش سیاسی‌وی را که در کتاب "شهریار" آمده است به نقل از هنری توماس می‌آوریم:

- ۱- همیشه در پی سود خویش باش.
- ۲- جز خوشبختی هیچ کس را محترم مدار.
- ۳- بدی کن و آنچنان وانمود کن که نیکی می‌کنی.
- ۴- حریص باش و هر چه را می‌توانی تصاحب کن.
- ۵- خسیس باش.
- ۶- خشن و درنده خوی باش.
- ۷- چون فرصت بدست آوری دیگران را بفریب.
- ۸- دشمنانت را بکش و اگر می‌توانی دوستانت را نیز

(۱۱)
۹- در رفتار با مردم به زور توسل جوی نه مهربانی.
۱۰- همه مساعی خود را بر جنگ متمرکز کن.

(بزرگان فلسفه - ترجمه فریدون بدره‌ای)
ابرمرد نیچه همه این اصول را بکار می‌گیرد و بر آنها قواعدی بس و حشیانه تر و خونین ترمی افزایش داد. نیچه به کمک داریونیسم اجتماعی و منابعی دیگر ما کی‌اولی را تکامل می‌دهد و از شهریار منطقه‌ای او پیشوا "ای خونخوار برای همه بشریت می‌تراشد. به اعتقاد من بیماری نیچه و حالت شکننده روحی او اندیشه‌های وی را در سمت انطباق کامل با ناخود آگاه ناسیونالیسم نژاد پرستانه آلمان هدایت کرد. پس او را می‌بینیم که در فضای تاراز بخار غلیظ خون و خشم و کین و آکنده از بغض خفه کننده اجساد پوسیده و تجزیه شده اندیشه‌ها و

ارزشهای قی شده از معده فلسفه فریاد برمی‌آورد که: بدترین بدیها بهترین نیکی‌هاست و "آنکه می‌خواهد خالق نیک و بد باشد باید در واقع یک مخرب باشد و همه ارزشها را منهدم کند" (چنین گفت زرتشت). رسالت اصلی فلسفه سیاسی نیچه ارائه پاسخی در هم شکننده به فلسفه داد سوسیالیسم است. او در اراز دیدیداد تعریف و تفسیر می‌کند؛ یا بهتر است بگویم داد را از راه تعویض جای آن با بیداد تعریف می‌کند. از نظر او اخلاق و عدالت مخلوقات مسیحیت و سوسیالیسم، و بردگان و ناتوانان و عوام هستند و این گروه مردمان "پست" و زیر دست در طول تاریخ اخلاق و عدالت را بسود خواستهای پست خویش تعریف کرده‌اند. پس می‌بایست

وقتی که روزنامه فروش مجاری تفسیری که حول انتخابات جدید مجارستان توسط رئیس جمهور سابق ایتالیا آقای فرانچسکو کوسیکا تحت عنوان "احیاء استالینیزم در مجارستان" نوشته شده، و در یک روزنامه مجاری انتشار یافته بود، را خواند حتی برافروخته هم نشد و فقط به خنده‌ی تمسخر آمیزی بسنده کرد. برآستی اروپای غربی از اروپای شرقی چه می‌داند؟ عده‌ای گمان می‌کنند که همه جاناسیونالیزم با زیر و نفسکی‌های کوچک سربز خواهد آورد و عده‌ای از برگشت دیکتاتوری پرولتاریا و وحشت دارند. هم این‌ها و هم آنها در اشتباهند. در کشورهای لهستان، مجارستان، اسلواکی و چک فعلاً نیروهای راست و چپ افراطی مشهود نیستند و بیشتر یک چرخش از راست به چپ میانه صورت می‌گیرد. در لهستان سوسیال دموکراتها (کمونیستهای تغییر یافته) هم اکنون در قدرتند، در مجارستان سوسیالیست‌ها (کمونیست‌های سابق) با اکثریت قوی در انتخابات مجلس پیروز شدند، در اسلواکی حزب "چپ دموکرات" خلف حزب کمونیست سابق، چنانکه از سنجش افکار عمومی برمی‌آید از نظر محبوبیت همطراز با حزب نخست وزیر پیشین آقای ولادیمیر میجاراست. این چیزها ۵ سال پیش غیر قابل تصور و چنین روند تکاملی از

خود بخود از بین رفتند. فقط در جمهوری چک در خواست‌های آلمان‌های جنوب مینی‌ریا ز گردندان ملک و اموالشان به آنها و لغو بخشنامه‌های مربوط به کوچاندن نشان باعث عصیانیت حکومت گردید و از سوی آن رد شد.

بهر حال امواج خشم در اینجا و آنجا فروکش کردند. شعارهای دهن پرکن ناسیونالیستی دیگر مد روز نیستند، گرچه ضد کمونیستی هم باشند. عمل گرای و کارایی، طرفدار پیدا کرده‌اند و اینها نیز در چنته‌ی کمونیست‌های سابق پیدا می‌شوند. افرادی که قبلاً هوادار "نان و آزادی" بودند حالا خواستار نان و کار هستند.

وعده‌های سرمایه داری در اردوگاه کمونیسم چنان بازتاب قوی پیدا کردند، بطوریکه آنها را مگر کسی را چیزی بدون نقی انگاشتند. عبارت "خیلی‌زیبا، اما غیر واقعی" اعتراضی است که از زبان یکی از خوانندگان در روزنامه‌ی لهستانی "گازیتا و بیورچا" می‌خوانیم. اومی خواهد به خود و به خوانندگان دیگر جرأت پذیرش این را بدهد که: وقتی که ما کم کم خواب و خیال‌ها را کنار می‌گذاریم نیاید ناراحت بشویم؛ زیرا همین راهم برای عده‌ای باید بمنزله رشد تلقی کرد. اما خیلی‌ها در مرحله‌ی خیال‌بازی‌های

راه‌دشوار آفریقای جنوبی



الکساندر: کنگره ملی آفریقا به سیستم سرمایه‌داری آری گفته است

در مصاحبه‌هایی که از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد، نلسون ماندلا رئیس‌جمهور و نویل الکساندر شخصیت علمی و مبارز آفریقای جنوبی جنبه‌هایی از روند توافق و چگونگی برگزاری انتخابات را از دید خود مورد ارزیابی قرار می‌دهند. این مصاحبه‌ها تا حدودی روشن‌گر این امر است که توافقات سیاهان و سفیدپوستان بر چه مبنای استوار است و دشواری‌های آتی در حیات سیاسی و اجتماعی آفریقای جنوبی از کجا سرچشمه می‌گیرند. گفتنی است که مصاحبه با ماندلا و الکساندر بعد از انتخابات اخیر آفریقای جنوبی صورت گرفته است.



ماندلا: گذشته را به حال خود بگذارید!

تاس: نظر عمومی سیاهپوستان چیست؟ آیا آنها خود را شهروند آخرین پا بگناه استعمار می‌دانند که اینک در حال برجسته شدن است و یا خود را پیشاهنگ ایجاد جامعه‌ای نمونه در جنوب می‌دانند که می‌تواند سرمشقی از همکاری جهان اول و سوم را به نمایش گذارد؟

نویل الکساندر مورخ و کارشناس علوم تربیتی در دانشگاه کاپ اشانت است. وی از مبارزین آشتی‌ناپذیر علیه آپارتاید بوده و ۱۱ سال را در زندان رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی به سر آورده است. الکساندر در اروپا چهره سرشناسی به شمار می‌رود. در واقع آغاز و اوجگیری جنبش ضد آپارتاید در اروپا قسماً با اعتراض محافل ترفیخواره اروپا به دستگیری و حبس الکساندر در آفریقای جنوبی آغاز شد.

شکیبایی وجودیت و با مشارکت همه طرفها انجام پذیرد. تاس: شما به طور اصولی با یک عفو عمومی برای اعضای نیروهای امنیتی موافقت کرده‌اید. به این ترتیب ایجاد یک کمیسیون تحقیق برای بررسی جنایات گذشته چه ضرورتی دارد و کلا برخورد با گذشته به چه نحوی خواهد بود؟

تاس: نخستین تصمیمات شما به عنوان رئیس‌جمهور چه خواهند بود؟ آیا قصد دارید نقش رئیس‌جمهور را در تصمیمات سیاسی روزمره کاهش دهید؟ ماندلا: ذکر همه تغییراتی که ما در نظر داریم کار دشواری است. ما برنامه‌ای را برای بازسازی و توسعه تهیه کرده‌ایم که عرصه گسترده‌ای از حیات اجتماعی را دربر میگیرد. تغییر وظایف رئیس‌جمهور در گونی در ساختار دولت نیز از اجزای این برنامه است. من یک رئیس‌جمهور مجری و هماهنگ کننده خواهم بود و در چهارچوب دولت وحدت ملی فعالیت خواهم کرد. ما نمی‌خواهیم که دولت یک طبل توخالی باشد. احزابی که ۵ درصد آرا را کسب کنند می‌توانند وارد دولت شوند. باید شرایطی فراهم آورد که همه این احزاب خود را در روند تصمیم‌گیری برابر حقوق حس کنند.

تاس: رهبران سیاسی و فرهنگی چنین امکانی را واقعی می‌دانند و تشویر را در وحدت اقوام و نژادها جستجو می‌کنند. من نیز شخصاً همین دیدگاه را دارم. ولی خوب این روندی پیچیده و درازمدت است. در این رابطه من همیشه به یاد جمله‌ای از ما توماسی است. ما توماسی است که آیا انقلاب کبیر فرانسه موفقیت آمیز بوده است؛ او پاسخ داد که قضاوت در این باره هنوز ناممکن است.

الکساندر در باره مواضع و عملکرد کنگره ملی آفریقا نظراتی انتقاد آمیز دارد و از هم اکنون به عنوان یکی از منتقدان جدی دولت وحدت ملی نلسون ماندلا شناخته شده است.

ماندلا: وظیفه کمیسیون تحقیق برپایی دادگاهی شبیه دادگاه نورنبرگ نخواهد بود. (دادگاه نورنبرگ پس از جنگ جهانی دوم برای بررسی جنایات و محکومیت رهبران و کارگزاران اصلی رژیم هیتلر برپا شد - کار) نیروهای مسلح، پلیس، سازمانهای امنیتی و دستگاه اداری کشور نقش مهم (و شاید تعیین کننده‌ای) در روند تحولات بازی خواهند کرد. تصمیماتی که این نهادها را به دشمنی و خصومت با روندی جاری وادارد جز ضرورت زبان هیچ نتیجه دیگری برای آفریقای جنوبی نخواهد داشت. این نهادها در مرحله گذار از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. کسانی که در مبارزه علیه آپارتاید به جرم و جنایت دست زده‌اند، مورد عفو قرار گرفته‌اند، از اینرو است که مدافعان آپارتاید که جرم و جنایتی مرتکب شده‌اند نیز مورد عفو قرار گیرند. در مورد عوامل برخورد ها و سرکوب‌هایی که از اکتبر ۱۹۹۰ (زمان آزادی ماندلا) و شروع مذاکرات برای لغو آپارتاید تا دسامبر ۱۹۹۳ (زمان توافق بر سر قانون اساسی جدید و روز انتخابات) روی داده باید پارلمان جدید تصمیم‌گیری کند. کسانی که از دست ما ترکانند به جرم و جنایت دست یازیده‌اند اما قطعاً محاکمه نخواهم کرد.

تاس: من می‌پایم درباره جزئیات این تغییرات ساکت بمانم. زیرا اگر ما به یک پیروزی چشمگیر هم دست یابیم نباید جانب احتیاط را رها کنیم. نباید این امید ایجاد شود که ما با اکثریت خود اقلیت را به پذیرش سیاست‌های ایمن و ادار خواهیم کرد. تصمیم درباره تحولات باید در چهارچوب مسئولیت جمعی و یا به عبارت دیگر با دیدن توافقی همه احزاب اتخاذ شود.

تاس: در روز انتخابات شما به عنوان یکی از منتقدین سرسخت آپارتاید چه احساسی داشتید؟ الکساندر: این روز طبعاً روزی بزرگ و یکی از روزهای مهم تاریخ جهان است. آفریقای جنوبی کشوری بود که در آن برده‌داری قانوناً مجاز شمرده می‌شد. برخورداری سیاه‌پوستان از حق رای در عمل به معنای پایان قطعی برده‌داری و به سر رسیدن دوران استعمار است. اما از آنجایی که من یک سرشناس هستم، می‌دانم که مشکلات اصلی‌ترین روی ما قرار دارند و انتقال قدرت به سیاهان در روز انتخابات با همزمان نوعی سلب قدرت از آنها هم بود.

ماندلا: این موضوع شما در عمل قدرت کارایی را از دولت سلب خواهد کرد. اگر شما بخواهید درباره تصمیم دولت نظر مساعده همه احزاب را جلب کنید، آیا ضمانتی وجود دارد که همه آن احزاب و به ویژه هواداران خود شما در تحقق تصمیمات همکاری کنند؟

تاس: یک فلسطینی اخیراً مقاومت و مبارزه فلسطینی‌ها و سیاهپوستان آفریقای جنوبی را همسان و مشابه ارزیابی کرد. به نظر شما آیا فلسطینی‌ها توانستند به پیروزی واقعی دست یابند، ولی آنها با نیروی متخصصی که در سطح جهان دارند قادر خواهند بود دولت خود را ایجاد کنند؛ در حالیکه در آفریقای جنوبی وضع برعکس است، اینجا به نظر شما مردم پیروز شدند، ولی قادر نیستند که به تنهایی دولت دلخواه خود را برپا کنند. الکساندر: سیاهان به میزان زیادی به سفیدپوستان نیاز دارند، چرا که اینها دانش لازم برای ایجاد یک دولت مدرن در یک جامعه صنعتی را در انحصار خود گرفته‌اند. در واقع ما پیروز شدیم، بلکه در موقعیت پاتی قرار گرفتیم که خروج از آن با اعطای حق رای به سیاهان ممکن نبود. به عبارت دیگر ما حقی را به دست آوردیم که کشورهای دیگر بسیار زودتر و کم‌رنج‌تر از ما بدست آورده‌اند.

تاس: من فکر می‌کنم که نباید به افشارگری و رسواسازی دست زد. گذشته‌ها گذشته است. ما باید جراحی‌های گذشته را امدا و کنیم.

تاس: پس کمیسیون تحقیقی هم در کار نخواهد بود؟ ماندلا: چرا، ولی اسم این کمیسیون مهم نیست، بلکه وظیفه آن مهم است که آن هم عبارت است از جمع آوری اسناد و مدارک.

تاس: سوال اینجاست که چگونه می‌توان خواسته‌های اکثریت را برآورده کرد بی آنکه اقلیت به ترس و واگرمه دچار شود. به رغم همه درگیری‌های گذشته باید اذعان کرد که سفیدها دانش و ابزاری را دارا هستند که ما فاقد آنها هستیم. از این رو وجود آنها برای مصالحه ملی و ساختن و عمران کشور از اهمیت به سزایی برخوردار است. در این راستا ما به سفیدپوستان می‌گوییم: آفریقای جنوبی کشور شماست. با توجه به مطالب فوق تغییر نمادها و نشانه‌ها باید با

تاس: آیا شما شخصاً طرفدار عفو عمومی هستید؟ ماندلا: من در جریان مبارزه انتخاباتی پیوسته گفته‌ام که حمله به افراد احزاب دیگر که منجر به بروز چالش‌ها و خصومت‌های جدید شود، کاری بی‌معنا و احمقانه است. قصد همه ما این است که در دولت وحدت ملی با یکدیگر همکاری کنیم، لذا نباید به گونه‌ای رفتار کرد که پایه‌های این همکاری تخریب شود. من در دولت شخصاً هوادار عفو عمومی هستم. ولی خوب طبعاً بسیاری از ننگان قربانیان دلی چرکین و پرکینه دارند. با این همه پیام من این است: گذشته را به حال خود بگذارید.

تاس: نقش آن-آ-ت در دولت جدید را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا این سازمان زیر بار توقعات و خواسته‌های عاجل سیاهپوستان از یاد خواهد آمد؟ الکساندر: من فکر می‌کنم که اکثریت رای دهندگان سیاهپوست به خاطر ماندلا به آن-آ-ت رای دادند. در واقع ماندلا برای سیاهپوستان حکم یک شهید و یا یک نجابت‌بخش و به عبارت دیگر نقش یک پدر ارادارده که نماد شهروند آفریقای جنوبی در مبارزه رهایی‌بخش شده است، تقریباً کمی شبیه نقشی که آیت‌الله خمینی در ایران ایفا کرد. اما این وضعیت پایدار نیست و به زودی تغییر میکند. همین حالا هم جوانان انتقاد خود را از ماندلا شروع کرده‌اند که مثلاً او چرا این سراسر می‌شود و یا چرا بی‌وقفه از تحویل سلاح‌ها سخن می‌گوید.

اجتماعی دفاع کند. در لهستان اتحادیه‌ی کارگری سوسیالیست OPZZ، بخاطر طرفداری از حکومت در تازه‌ترین اعتصاب شرکت نکرد. اما او هم نمی‌تواند مدت زیادی میدان را برای جنبش همبستگی که از جنبش هم‌چپ ترمی‌زند، وا بگذارد. آخرالمراد باید از منافع طبقه‌ی کارگر در مقابل وزارت اقتصاد و وزارت ملی دفاع کند، حتی اگر خود حکومت هم چپ باشد. هم اکنون فکرهای نگران‌کننده‌ای وجود دارد، مبنی بر اینکه اگر سوسیالیست‌ها انتظارات مردم را برجا نیاوردند جامعه به کدام سو خواهد رفت؟ آیا عنوان الکترونیک دوباره به لیبرال‌ها و محافظه‌کاران، با تجربه‌ی اندوخته‌ی از دیروز، روی خواهد آورد و یا موجبات پیروزی پوپولیسم راست و یا چپ فراهم خواهد شد؟ آیا مردم دوباره در لاک خودشان فرو خواهند رفت و یا ناراضی‌هاشان را به خیابان‌ها خواهند کشاند؟ در لهستان بعد از گذشت ۸ ماه از حکومت کمونیست‌های سابق، پیش‌بینی می‌شود که در انتخابات شهرداری‌ها در ماه ژوئن، تعداد بی‌نهایت کمی شرکت کنند. به عقیده‌ی منتقدین، عدم دخالت همیشه از طرفداری خشک بهتر است. مردم ناراحت همیشه بهتر از مردم فریفته هستند.

چپ‌ها دوباره به قدرت برگشتند. البته این بدان معنا نیست که رای دهندگان خواستار کمونیسم بودند، بلکه بیشتر هواداریک اقتصاد مردمی و یک سرمایه‌داری با سیمای انسانی هستند. بازگشت این احزاب سابقاً کمونیست به قدرت بخاطر گذشته رویزیونیستی‌شان تسهیل هم شد: حزب کمونیست مجارستان و لهستان نسبت به حزب کمونیست چکسلواکی و آلمان شرقی از اعتبار بیشتری برخوردار بودند. آنها از مسکو فاصله بیشتری گرفته بودند و چندین سال قبل از سقوط نظام، اقتصاد را لیبرالیزه کرده و فشار سیاسی را نیز کم کرده بودند. آنها زمان را بموقع درک کردند و چیزی را که رقیباً اصلاً انتظارش را نداشتند یعنی عودت داوطلبانه‌ی قدرت به مردم را انجام دادند. معلوم‌الک آنها در همه جا مورد بی‌اعتنایی مردم قرار گرفتند. در لهستان تا به امروز هم احزاب منشعب از جنبش همبستگی نمی‌خواهند با آنها ائتلاف کنند. در مجارستان بنظری می‌رسد که این موانع از بین رفته‌اند. افراد تحت پیگرد رژیم سابق که در اتحادیه‌ی آزاد دمکرات‌ها گردهم آمده‌اند، تشکیل حکومت با نمایندگان حکومت پیشین را محتمل می‌دانند. آیا کمونیست‌های سابق واقعاً تغییر کرده‌اند؟

چپ‌ها دوباره به قدرت برگشتند. البته این بدان معنا نیست که رای دهندگان خواستار کمونیسم بودند، بلکه بیشتر هواداریک اقتصاد مردمی و یک سرمایه‌داری با سیمای انسانی هستند. بازگشت این احزاب سابقاً کمونیست به قدرت بخاطر گذشته رویزیونیستی‌شان تسهیل هم شد: حزب کمونیست مجارستان و لهستان نسبت به حزب کمونیست چکسلواکی و آلمان شرقی از اعتبار بیشتری برخوردار بودند. آنها از مسکو فاصله بیشتری گرفته بودند و چندین سال قبل از سقوط نظام، اقتصاد را لیبرالیزه کرده و فشار سیاسی را نیز کم کرده بودند. آنها زمان را بموقع درک کردند و چیزی را که رقیباً اصلاً انتظارش را نداشتند یعنی عودت داوطلبانه‌ی قدرت به مردم را انجام دادند. معلوم‌الک آنها در همه جا مورد بی‌اعتنایی مردم قرار گرفتند. در لهستان تا به امروز هم احزاب منشعب از جنبش همبستگی نمی‌خواهند با آنها ائتلاف کنند. در مجارستان بنظری می‌رسد که این موانع از بین رفته‌اند. افراد تحت پیگرد رژیم سابق که در اتحادیه‌ی آزاد دمکرات‌ها گردهم آمده‌اند، تشکیل حکومت با نمایندگان حکومت پیشین را محتمل می‌دانند. آیا کمونیست‌های سابق واقعاً تغییر کرده‌اند؟

تاس: در سراسر کشور ۲۶ حزب سیاسی وجود دارند که از رهگذر سیاست و استراتژی درست ما با هم همگام شده‌اند. نقض قانون اساسی جدید این است که خواست همه احزاب باید مورد ملاحظه قرار گیرد. ولی خوب همین قانون اساسی برای ما یک موفقیت است. برگزاری انتخابات با مساعدت و همکاری همه احزاب امکانپذیر شده. بی‌آنکه ما از رای اکثریت خود استفاده کنیم. هواداران ما طبعاً حق دارند که حقوق برابر با سفیدپوستان و با حقوقی که مردم سایر کشورهای همسایه دارا هستند را طلب کنند. ولی پیش از ایجاد کار و تأمین خانه و آب لوله‌کشی و... کارهای اساسی دیگری باید صورت گیرد که یک، دو و یا شاید حتی ۵ سال طول بکشد.

برگزاری کنگره وحدت

شماره نخست نشریه "اتحاد کار"، ارگان مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، خبر تشکیل این سازمان را اعلام کرده است. این سازمان محصول وحدت سازمان فدایی ایران و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (شورای عالی) است. کنگره وحدت این دو سازمان در اوایل بهار امسال برگزار شد. در این کنگره پلان تفرد نظری-سیاسی و اساسنامه سازمان جدید و قطعنامه‌هایی در مورد اوضاع جهانی، اوضاع منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، درباره اوضاع ایران و درباره وحدت و سیاست‌های ائتلافی به تصویب رسیده است.

پلان تفرد نظری-سیاسی سازمان خواستار: سرنگونی جمهوری اسلامی توسط یک انقلاب توده‌ای، برقراری جمهوری

دموکراتیک، درهم شکستن تمامی دستگامهایی که تهدید و مانع دموکراسی‌پایدار هستند، تشکیل مجلس مرسسان، خود حکومتی وسیع همه مردم، برقراری آزادی‌های بی‌قید و شرط سیاسی و حق رای همگانی، لغو هرگونه شکنجه و اعدام، جدایی دین از دولت و نفی ایدئولوژیک کردن شئون جامعه، به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت ملت تا حد تشکیل دولت مستقل، برابری حقوق در مقابل قانون، مبارزه با تبعیض علیه زنان، برقراری مالکیت اجتماعی در کلیه مواضع کلیدی اقتصاد و تنظیم روابط بین المللی بر پایه همبستگی با جنبشهای کارگری و ترقی خواهانه و مبارزه با سلطه جوی امپریالیستی شده است.

در قطعنامه دربار وحدت و سیاست‌های ائتلافی آمده است که: "ضروری است کلیه نیروهای

ایران فردا: به کجای می‌رویم؟!!

اقتصادی - سیاسی و بینشی رنج می‌برد. ۲- فاصله بین حاکمیت و مردم بر حسب ظواهر محقق موجود، روبه فزونی است. ۳- هیچگونه دورنما و چشم اندازی از حماسی‌های خارجی، اقتصادی یا سیاسی وجود ندارد مگر به بهای عظیم و کزاف فروختن بسیاری از منابع جامعه و مصالح درازمدت آن.

به این ترتیب، دولت را آن توان و قوه نیست که بدون مشارکت مردم و بهره‌گیری از تمام امکانات و استعدادها، در یک بستر وفاق و اشتراک، موفق به کاری چشم‌گیر یا حداقل نجات کشور خود دولت، از انحطاط و تباهی و فروپاشی باشد.

بدین ترتیب آن ناظر خارجی در اثر این مشاهده این گرایش دوگانه و متخالف بین حاکمان و محکومان و شهود این واقعیت که هر یک از طرفین به خیال مقابل و مبارزه با آن دیگری در حقیقت به (نفی) و فروپاشی خویش و هستی خویش مشغول است، و در عین حال این هستی ملی و جامعه کل است که مرتباً و با سرعت (ذوب) می‌شود و روبه فنا می‌رود، وجدان خود را می‌گوید که: وای اگر این مجموعه دولت و ملت در معرض دخالت و تهاجمی از هر شکل و شمایل (تبلیغاتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) نیز قرار گیرد که دیگر توانی مادی (اقتصادی، اجتماعی) و روحیه‌ای معنوی برای مقاومت باقی نمانده است.

و مجموعه کشور و ملت، کلا بدنامی می‌رود که یا خود را تسلیم حوادث کند و یا آنکه ناگزیر فروپاشد، بنابراین همراه با فریادی هشدار دهنده پیام می‌فرستد که: (ای مردم، دین و آئین مکتب و مسلک شما هر چه هست، باشد، ولی کاش اندکی از عقلانیت هم در جمع شما حضور داشت).

روند کلی جامعه ایرانی را جز با یک تغییر بنیادی نمی‌توان متوقف کرد. اما تغییر بنیادی آیا از راه سرقط و واژگونی و انقلاب مجدد عبور می‌کند؟! در این راه جز فوران کینه‌ها و انتقام‌ها و تخریب‌های مکرر و سپس ورود بیگانگان و اضمحلال کلی ملیت و استقلال چیزی نمی‌تواند پیش‌بینی کرد. در ادامه این روش دیگر کشور ایرانی بر صفحه جغرافیا و تاریخ جهان نخواهد ماند و قومیتی به نام ایرانی وجود نخواهد داشت، تا به کیفیت و نوع حکومت آن اندیشه شود.

قیام و انقلاب و براندازی اینبار، چون همیشه نیست. "نظم نوین جهانی" خواب خوشی برای ملیت‌های با فرهنگ باستانی دیده است: دمکراسی‌های موزائیکی! آیا ممکن است که آفتاب عقلانیت در این سرزمین بتابد و شکل و صورت دیگری از تغییر بنیادی در اندیشه‌ها و بینشهای حاکمان و مردمان رخ نماید؟ در تاریخ ایران، خیلی از غیرممکنات به عرصه امکان و تحقق درآمده‌اند.

ماهنامه "ایران فردا" که با مسئولیت مهندس عزت‌الله سبحانی در داخل کشور منتشر می‌شود، سرمقاله شماره ۱۱ خود را به بررسی مراسم پرزرق و برق و عریض و طویل که حکومت بویژه در چند سال اخیر در بزرگداشت سالگرد انقلاب "ترتیب" می‌دهد، اختصاص داده و دلایل اصرار حکومت در برگزاری پر تشریفات این مراسم‌ها را - که در واقع نمایش "حمایت مردمی از حکومتگران" در شرایط افول کامل و فقدان چنین حمایتی است، بررسی می‌کند. ایران فردا می‌نویسد: "در مردم کشور ما به دلیل سنت و سابقه قاجاریه تا پهلوی، این تلقی شکل گرفته که هر وقت دولتها با گرفتاری، تنگنا، شکست و یا مصائب دیگر دست به گریبان هستند، همزمان به جشن و چراغانی هم می‌پردازند، ظاهراً به این منظور است که روحیات مردم را حفظ نماید!"

برنامه عمل مشخص در دفاع از دموکراسی راهنمای آن باشد، مجاز می‌دانیم. قطعنامه درباره "نیروهای لیبرال" می‌گوید: "هر کجا که هر یک از نیروهای این طیف از اصلاحات دموکراتیک به نفع مردم دفاع کنند و با بمقابله با بی‌حقوقی اجتماعی و سیاست سرکوب اسلامی برخورد کنند، در آن مورد مشخص اتحاد عمل با آنان مجاز می‌باشد. در این قطعنامه همکاری با سازمان مجاهدین خلق با توجه به سیاستهای فعلی آنان و هر شکل از همکاری و ائتلاف سیاسی با سلطنت طلبان زد شده است.

"کار" برگزاری کنگره وحدت دو سازمان فوق و تشکیل سازمان واحد را به اعضای این سازمان تیریک گفته و برای نشریه "اتحاد کار" در مبارزه بخاطر دموکراسی و تقویت بیشتر جنبه چپ آرزوی موفقیت می‌کند.

کمونیست، دموکرات و ترقی خواه در یک جبهه دموکراتیک متشکل شوند. زئوس برنامه عملی پیشنهادی کنگره برای این جبهه، رهوس پلان تفرد نظری-سیاسی این سازمان است. در این قطعنامه آمده است: "ما خواهان همگرایی تمامی نیروهای کمونیست بر اساس اشتراک در اساسی‌ترین مسائل جنبش کارگری و سوسیالیستی و وحدت آنها هستیم. قطعنامه ضمن انتقاد از بخش دیگری از نیروهای چپ که سابقه چپ دارند" که در چند ساله اخیر به درجات مختلف از اهداف نیروهای چپ دور شده‌اند" منشی خود را در برابر این بخش از نیروهای چپ چنین تعیین کرده است: "ما ضمن برخورد با ناچیزی این جریانات در دفاع از دموکراسی، هرگونه اتحاد عمل سیاسی با این نیروها را مادام که یک

جمهوری خواهان ملی:

شکست سیاست تعدیل و پاسخی به پیام رفسنجانی

ایران، در مقاله دیگر خود به پیام نوروزی هاشمی رفسنجانی در مورد بازگشت ایرانیان خارج از کشور پاسخ داده و نوشته است: "نخست باید روشن ساخت که بازگشت یا رفت و آمد به ایران برعکس آنچه هاشمی می‌پندارد به معنای پشتیبانی از این نظام سرکوبگر و آزادی کش نیست. ایرانیانی که به خاطر علاقه به میهنشان و زیستن در کشوری که با هزاران رشته به آن پیوند خورده‌اند، به ایران بازمی‌گردند نه انگیزه شان بازگشتشان به معنای پشتیبانی از شما. مگر ایرانیان درون کشور همه طرفدار شما هستند که صرف حضور در ایران به معنای حمایت از شما باشد؟"

ماهنامه جمهوری خواهان ملی ایران در شماره ۵۳ (فروردین، اردیبهشت ۷۳) خود، در مقاله‌ای به نام "شکست سیاست تعدیل اقتصادی" می‌نویسد: "در چنین وضعی دولت ناگزیر به تصمیمات اضطراری، محدودیت فروش ارز و واردات روی مساوره و دوران ندانم کاریها، وصله و بیبند و گرایش به اقتصاد کوپنی دوباره آغاز می‌گردد. این ماهنامه سپس می‌نویسد: "مشکل اساسی اقتصاد ایران بورس بازی یا دلالی ارز و حتی تقاضای فزاینده برای دلار نیست، هر چند هر کدام اینها به عنوان عامل بلاواسطه در پیدایش وضع کنونی تأثیر می‌گذارند. مشکل اساسی این است که جمهوری اسلامی نتوانسته است فضای لازم را برای جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی به تولید فراهم آورد. در نتیجه طبیعی است که سرمایه‌های داخلی به سوی دلالی ارز و واردات کالاها مصرفی که مورد تقاضای مردم است، روی آورند."

ماهنامه جمهوری خواهان نوشته است: "ما نیز مشوق بازگشت ایرانیان و رفت و آمدشان به کشور هستیم و معتقدیم حضور متخصصین و کاردانی که دیدگاه مکتبی شما را ندارند و شیوه زیست و تفکرشان با شما فرق می‌کند و در دستگامهای آموزشی، فرهنگی و اقتصادی کشور خود کمی و کوششی در تغییر وضع کنونی است ولی در عین حال بر این نظرم که بدون تغییر ساختار مذہبی حکومت، نیاز ایران به کادری متخصص برآورده نخواهد شد، موج بازگشتی در کار نخواهد بود و بازسازی اقتصادی به سرانجام نخواهد رسید."

جمهوری خواهان ملی نوشته‌اند: "ما بارها در نوشته‌های خود به پیش شرط‌های حقوقی و سیاسی لازم برای بازسازی اقتصادی اشاره کرده‌ایم و مشارکت عمومی در اداره امور کشور و تعیین و تشخیص سیاست‌ها را بوسیله عامه مردم یکی از شرایط اساسی توسعه اقتصادی در ایران دانسته‌ایم. مقاله در پایان نتیجه گرفته است: "نه رفسنجانی، نه خامنه‌ای و نه هیچکدام از زعمای جمهوری اسلامی نخواهند توانست به پیشرو اقتصاد آزاد در ایران میل شوند. تا زمانی که مردم با برنامه و سازمان پایه صحنه سیاست نگذارند، بیرون شدی از این بن بست متصور نیست."

جمهوری خواهان در مورد فعالین سیاسی خارج از کشور چنین نوشته‌اند: "در این مورد ما معتقدیم که مخالفین سیاسی سرشناس نباید بدون حق فعالیت سیاسی آشکاره ایران بازگردند. تأمین و تضمین آزادی احزاب و مطبوعات شرط اساسی چنین بازگشتی است."

ماهنامه جمهوری خواهان ملی

انتشار دو نشریه جدید

جواد، بهروز رضوانی، فرزاد ابراهیمی، فیروز قزیشی، بیژن رضایی و محمد رضا همایون درج شده است. بهای این نشریه ۱۵ فرانک فرانسه است.

دومین شماره نشریه میهن در اردیبهشت ماه گذشته در پاریس انتشار یافت. این نشریه به مسئولیت علی کشتگر منتشر می‌شود. در مقاله‌ای به نام "هدف از انتشار میهن" در شماره نخست نوشته شده است: "ماهنامه میهن با این امید آغاز می‌کند که مادست اندر کاران این نشریه در حد توان و تجربه خود در مبارزه فرهنگی و سیاسی برای آزادی و دموکراسی و حکومت قانون و عدالت در ایران سهیم شویم. در این مقاله تأکید شده است: میهن نشریه و یا ارگان هیچ حزب و گروهی نیست و تا کید دارد که نه رسمی و نه غیر رسمی و نه به اشکال پشت پرده، بطور ضمنی و امثالهم منتسب و یا متمایل به یکی از جریانات سیاسی موجود نیست."

ایران زمین "هفته نامه‌ای است که اخیراً در لندن آغاز به انتشار کرده است. سردبیر این هفته نامه منوچهر هزارخانی است. در سرمقاله "شماره صفر" این نشریه گفته شده است که "ایران زمین حامی شورای ملی مقاومت است اما یک ارگان تبلیغی نیست. منوچهر هزارخانی در سرمقاله اولین شماره "ایران زمین" نوشته است که: ایران زمین حامی مقاومت است، ولی نشریه تبلیغاتی افراد یا گروه‌های خاصی نیست، مخاطبین توده ایرانیان خارج از کشورند، یک هفته نامه خبری و در عین حال محل برخورد افکار است. بهای این نشریه ۱/۷ مارک آلمان است و شماره صفر و یک آن بطور رایگان توضیح شده است."

در نخستین شماره این نشریه مقالاتی از علی اصغر حاج سید جواد و بیژن رضایی و مصاحبه علی کشتگر با ابوالحسن بنی صدر درج شده است. در شماره دوم این نشریه نیز مقالاتی از کشتگر، حاج سید

آدرس نشریه "کار" در سوئد

خوانندگان و علاقمندان به اشتراک "کار" در سوئد، می‌توانند از آدرس و شماره حساب زیر استفاده نمایند.

I.S.F
Box 26045
S-75026 Uppsala

Post Giro trn: 4985569-5

شماره حساب:

"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هر دو هفته یکبار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.

حساب بانکی: M.ABD آدرس: RUZBEH
NR_35263011
کد بانکی: 37050198
Stadtsparkasse Köln
GERMANY

شماره فکس: Fax: 0049 _ 221 _ 3318290

فرم درخواست اشتراک "کار"

اشتراک جدید تمدید اشتراک
مدت اشتراک: شش ماه یکسال

نام: تاریخ:

آدرس: Name: _____

Address: _____

فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس "کار" پست نمایید.

بهای اشتراک "کار"

اروپا:
ششماه ۴۵ مارک
یکسال ۹۰ مارک
سایر کشورها:
ششماه ۵۲ مارک
یکسال ۱۰۴ مارک

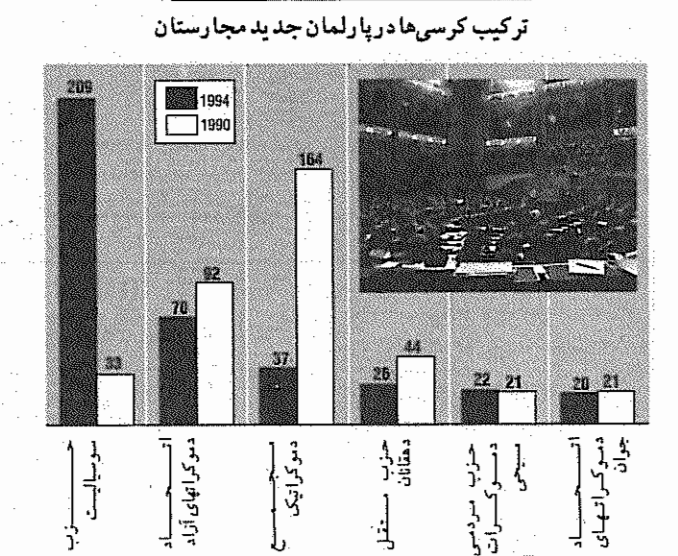
هفته گذشته احزاب کمونیست و ملی‌گرا در روسیه با پیشنهاد الکساندر روتسکوی معاون سابق رئیس‌جمهور این کشور برای تشکیل "مجمع وحدت ملی" موافقت کردند. قرار است این ائتلاف از پاییز امسال فعالیت خود را آغاز کند. در ماه‌های آینده، احزاب تشکیل‌دهنده این ائتلاف می‌خواهند در مورد یک برنامه مشترک، تشکیل یک کابینه سایه و در صورت امکان، انتخاب یک کاندیدای مشترک ریاست جمهوری به توافق برسند. با این حال، زیوگانف رهبر حزب کمونیست که بزرگ‌ترین حزب اپوزیسیون است، سخنانی گفته است که ابعاد و چشم‌انداز این اتحاد اپوزیسیون روسیه را محدود می‌کند. زیوگانف با تعیین زود هنگام یک نامزد مشترک برای احزاب ریاست جمهوری، مخالفت کرد. گفته می‌شود کمونیست‌ها در صدد نگذارند چنین نقشی بر عهده روتسکوی گذاشته شود. به گفته زیوگانف، کمونیست‌ها می‌خواهند پس از انتخابات آینده ریاست جمهوری، این مقام را به کلی حذف کنند و قدرت کامل مردم را برقرار سازند.

ائتلاف ضد یلتسین در روسیه

روتسکوی که می‌خواهد با تکیه بر اکثریت احزاب مخالف چپ و ناسمیولیت، کاندید ریاست جمهوری شود، در یک نطق شدیدالحن و مملو از حملات به غرب، یلتسین و دولت چرنومیردین را یک رژیم پلیسی و ضد مردمی خواند که در مهرماه سال گذشته، با کودتا و نقض قانون اساسی به قدرت رسیده است. روتسکوی افزود هدف اپوزیسیون میهنی در روسیه، باید پایان دادن به این رژیم و کسب قدرت از طریق انتخابات پیش‌رس ریاست جمهوری باشد. روتسکوی که در ۳۰ شهریور سال گذشته توسط پارلمان سابق به جای یلتسین به ریاست جمهوری برگزیده شد، در جریان حمله نیروهای دولتی به مقر پارلمان دستگیر گردید اما پس از انتخابات پارلمانی و تشکیل پارلمان جدید، به همراه سایر رهبران قیام سال گذشته علیه یلتسین مورد عفو قرار گرفت و آزاد شد. روتسکوی از هنگام آزادی تا کنون، برای بازگشت به صحنه سیاست روسیه کوشیده و در تلاش است که به رهبر بلا منازع

اروپای شرقی به سوی چپ حرکت می‌کند

ادامه از صفحه ۱۲
سوسیالیست‌ها بتوانند اصلاحات اقتصادی را با آهنگی کند تر و تلفات اجتماعی کم‌تر به پیش برند. علاوه بر مجارستان، انتخابات



می‌کنند که در پاییز آینده، وضع اقتصادی روسیه از آنچه هست نیز وخیم‌تر شود، رقم بیکاری بالا ترود و در برداشت محصولات کشاورزی مشکلاتی پیش‌آید که باعث شود مبارزه اپوزیسیون برای انتخابات پیش‌رس ریاست جمهوری به موفقیت بیانجامد. گوروخین کارگردان معروف سینمای روسیه که به نمایندگی از سوی حزب دمکرات این کشور به پارلمان راه یافته است، از مبتکران فراخوان "وحدت به نام روسیه" است. وی در یک سخنرانی، حکومت فعلی را متهم کرد که روسیه را به پرتگاه می‌کشاند. گوروخین افزود روسیه به یک مستعمره غرب تبدیل شده است که در آن، پستی کولامی‌نوشند و شکلات "اسکندر" می‌خورند، دلا و واحد واقعی پول و انگلیسی زبان دوم دولت است. به گفته این شخصیت اپوزیسیون، با چنین سلب هویت‌هایی، روسیه و روح آن در معرض نابودی است. مدیریت این گروه‌هایی را گلازینف عضو دوما (مجلس نمایندگان) و مسئول تهیه برنامه اقتصادی اپوزیسیون بر عهده داشت. گلازینف عضو حزب دمکرات است.

کنون، از یک میلیون نفر به حدود ۳۰۰ هزار نفر کاهش یافته است، طبق آخرین نظرسنجی‌ها سوسیالیست‌های بلغارستان بیش از ۳۰ درصد آرا را به خود اختصاص می‌دهند. در انتخابات شهرداری‌های آلبانی که پنج ماه پس از انتخابات پارلمانی دو سال پیش برگزار شد، سوسیالیست‌ها به موفقیت‌های چشمگیری دست یافتند. در آلبانی حزب دمکرات حکومت می‌کند. در رومانی، یان ایلیسکو از شخصیت‌های مستقل حزب کمونیست سابق، با رأی مستقیم مردم به ریاست جمهوری برگزیده شده است. حزب سوسیالیسم دمکراتیک که از جبهه نجات ملی فرا روتشیده است، در تعیین سیاست‌های دولت نقش عمده‌ای دارد. در لتوانی، برازاوسکاس رهبر سابق حزب کمونیست مقام ریاست جمهوری را بر عهده دارد. در جمهوری دیگر بالتیک (لتونی) زام اموربر عهده نیروهای راست است.

دولت خودمختار فلسطینی شکل می‌گیرد

یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) که قرار است ریاست دولت خودمختار فلسطینی در غزه و اریحا را بر عهده بگیرد، چند مقام این ارگان ۲۴ نفره را منصوب کرد. خود عرفات، وزارت کشور را بر عهده خواهد گرفت. ۱۴ وزیر دیگر که برخی از میان شخصیت‌های تبعیدی و باقی‌مانده ساکنان مناطق اشغالی برگزیده شده‌اند، تعیین گردیدند. نبیل شعث نماینده ساف در مذاکرات خودمختاری با اسرائیل، وزیر برنامه‌ریزی و همکاری بین‌المللی است. برخی دیگر از مقامات دولت خودمختار عبارتند از: احمد قریعه مسئول مذاکرات سری با اسرائیل در نروبه و عنوان وزیر اقتصاد و بازرگانی، یاسر عابد ریوسخنکوی ساف به عنوان وزیر فرهنگ، الیاس فریح شهردار مسیحی بیت‌الحمم به عنوان وزیر جهانگردی و باستان‌شناسی، فیصل حسینی نماینده ساف در بیت‌القدس به عنوان وزیر مشاور و مسئول امور بیت‌المقدس، و خانم انظارا الوزیر بیوه خلیل الوزیر (ابو جهاد) که شش سال پیش توسط کماندوهای اسرائیلی در تونس به قتل رسید، به عنوان وزیر امور اجتماعی. خانم حنان عشراوي از سخنگویان فلسطینی‌ها در مذاکرات صلح، مسئولیت وزارت اطلاعات را نپذیرفت. وی در هفته‌های اخیر از نحوه اتخاذ تصمیمات توسط عرفات به شدت انتقاد کرده و یک هیأت مستقل حقوق بشر ایجاد کرده است. این هیأت، اصلاحات دمکراتیک در حکومت خودمختار و مبارزه با فساد را از اهداف خود اعلام کرده است. برخی از بست‌های حکومت خودمختار، هنوز به کسی سپرده نشده است. منابع وابسته به ساف در تونس گفتند عرفات می‌خواهد برخی از این مقامات را به شخصیت‌های مخالف واگذار کند. گفته می‌شود عرفات به سازمان بنیاد گرای حماس نیز پیشنهاد دو بست وزارت کرده است، اما حماس خواهان پنج کرسی در کابینه است.

فرار ۴۰۰ هزار نفر از پایتخت رومند

بدنبال پیشروی شورشیان رومند، در هفته‌های اخیر ۴۰۰ هزار نفر از اهالی کنگالی پایتخت این کشور از این شهر گریخته‌اند. یک سخنگوی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در ژنو گفت این کمیته در رساندن کمک‌های انسانی به این آوارگان ناتوان است. این سخنگو افزود کنگالی تقریباً از سکنه غیر نظامی خالی شده است. یک سخنگوی سازمان ملل گفت در یک اردوگاه آوارگان در نزدیکی کنگالی، ۳۵ هزار نفر را خطر مرگ بر اثر گرسنگی تهدید می‌کند. شورشیان رومند که مدعی‌اند بیش از نیمی از خاک این کشور را در کنترل خود دارند، اکنون در حال پیشروی به سوی شهر "گیتامارا" در ۴۰ کیلومتری جنوب کنگالی‌اند که از هنگام آغاز جنگ داخلی، به مقر حکومت موقت رومند تبدیل شده است.

کنفرانس غیر متعهد ها در قاهره

یازدهمین اجلاس وزرای خارجه کشورهای غیر متعهد در قاهره برگزار شد. مسئله بوسنی-هرزگوین، سومالی، رومند و بوروندی در دستور کار این کنفرانس قرار داشت. سایر موضوعات مورد بررسی در این نشست عبارت بود از آینده جنبش عدم تعهد در دنیا پس از جنگ سرد و تأثیرات توافق‌های گات بر اقتصاد کشورهای جهان سوم. قرار است آفریقای جنوبی نیز به عضویت جنبش عدم تعهد در آید. آلفرد نژو وزیر خارجه این کشور به همین منظور به قاهره رفت. در اجلاس قاهره، نمایندگان بیش از ۱۰۰ کشور که اغلب آنها در سطح وزیر خارجه نماینده فرستاده بودند، شرکت داشتند.

اریش هونکر در گذشت

پس از بازگشت گروه کمونیست‌های در تبعید به منطقه تحت اشغال شوروی در شرق آلمان، به این گروه که رهبری آن را والتر اولبریش بر عهده داشت پیوست. نخستین مسئولیت مهم هونکر، رهبری "جوانان آزاد آلمان" بود. وی در سال‌های بعد به عضویت رهبری حزب سوسیالیست متحد آلمان برگزیده شد. انتخاب هونکر به جای اولبریش به دبیر کلی حزب، نشانه‌ای از تغییر سمت سیاست آلمان شرقی در جهت تشنج زدایی و برقراری روابط عادی با غرب بود. در سال‌های نخست زمامداری هونکر، آلمان شرقی به موفقیت‌های دیپلماتیک مهمی دست یافت و از سوی اکثر کشورهای جهان به رسمیت شناخته شد.

اریش هونکر دبیر کل پیشین حزب سوسیالیست متحد آلمان و رهبر پیشین جمهوری دمکراتیک آلمان در سن ۸۱ سالگی در سانتیاگو پایتخت شیلی بر اثر ابتلا به سرطان کبد درگذشت. جنازه وی به درخواست خودش در شیلی سوزانده شد. هونکر وصیت کرده است که در صورت امکان، خاکسترش را در آلمان به خاک بپسارند. ارایش هونکر در سال ۱۹۱۲ در ایالت زارلاند (سار) آلمان در یک خانواده کارگری به دنیا آمد. بیوگرافی او، نمادی بارز از تاریخ جنبش کمونیستی است. هونکر از سنین نوجوانی و در دوره ناز آرام جمهوری وایمار به حزب کمونیست قدرتمند آلمان پیوست. هنگامی که حزب نازی در سال ۱۹۳۳ قدرت را به دست گرفت و به سرکوب بی‌امان احزاب مخالف پرداخت، هونکر نیز مانند ده‌ها هزار کمونیست دیگر، به مبارزه مخفی‌رویی آورد. وی در سال ۱۹۳۵ در برلین به دام گشتا پو افتاد و نازی‌ها او را به ده سال زندان محکوم کردند. در آستانه شکست رژیم نازی در جنگ جهانی دوم، ارایش هونکر از زندان گریخت و روزهای پایانی جنگ را در مخفی‌گاه گذراند. وی



تشییع جنازه هونکر در شیلی: صد ها تن از تبعیدیان سابق شیلیایی در آلمان شرقی، با شرکت در این مراسم از رهبر کشوری که پذیرای هزاران مهاجر سیاسی شده بود، قدر دانی کردند.

که دولت محافظه‌کار آلمان نگذاشت هونکر آخرین سال‌های عمر خود را در آرامش بگذراند و ماه‌ها او را در آلمان روسیه تحت تعقیب قضایی قرار داد، تا آنکه دادگاهی در برلین رأی داد که محاکمه یک بیمار در حال مرگ، مغایر با موازین انسانی است. بدنبال این رأی، هونکر نزد همسرود خورش در شیلی رفت و حدود یک سال و نیم آخزندگی خود را در آنجا گذراند.

شرقی بود که هونکر بیست سال رهبری آن را بر عهده داشت. با این حال، آنچه هونکر را از برخی سیاستمداران سوسیالیسم واقعاً موجود متمایز می‌کند، وفاداری تا دم مرگش به اعتقاداتی است که از نوجوانی با آن تربیت یافته بود. هونکر، مدرسه مبارزه ضد فاشیستی را پشت سر گذاشته بود و حاضر نشد در برابر پیروزمندان در جنگ سرد، سر تعظیم فرود آورد. هم‌اکنون در رومند

آیندشت هرات

صلح را به افغانستان بازمی‌گرداند؟

ادامه از صفحه ۱۲
آن حمایت می‌کند، ضروری است. این گفته دیپلمات تونسی، زمانی اظهار گردید که او نمایی دانست شمار استان‌های حمایت‌کننده از طرح صلح، از ۱۴ به ۲۵ خواهد رسید. نماینده سازمان ملل، ضمن حمایت از ابتکاهرات، دردیدار از مقر ژنرال دوستم و نیز در هنگام اقامت در میان مرکز قدرت شیعیان افغانستان، به درستی تأکید کرد که سازمان ملل تنها می‌تواند از روند صلحی حمایت کند که همه افغان‌ها را دربرگیرد. از این لحاظ، طرح هرات که از یکپارگی و شیعیان را نادیده گرفته است، دارای یک ضعف اساسی است که می‌تواند آن را به شکست بکشاند. در طرح هرات، پیش‌بینی شده است که یک شورای عالی با شرکت رهبر منتخب احزاب مجاهدین، فرمانده نظامی مجاهدین، شخصیت بانفوذ که الزاماً بایستی از اهداف مجاهدین در جنگ با شوروی و دولت سابق کابل حمایت

آینشت هرات صلح را به افغانستان باز می گرداند؟

پیشروی نیروهای یمن شمالی متوقف شد

گروهی از حکمرانان محلی در افغانستان، به منظور پایان دادن به جنگ بی سرانجام پرسرکابل پایتخت این کشور، اخیراً دست به ابتکار جدیدی زده، از رهبران سیاسی و نظامی گروه‌های مجاهدین افغانی برای شرکت در یک نشست صلح دعوت کرده است. قرار است این نشست در روز ۱۵ خرداد در شهر هرات واقع در غرب افغانستان تشکیل شود. میزبان اجلاس هرات، اسماعیل خان از فرماندهان مجاهدین و مرد قدرتمند استان هرات است. اسماعیل خان در نبردهایی که پس از سقوط دولت نجیب الله، بین گروه‌های رقیب مجاهدین در گرفت و تا کنون ادامه دارد، شرکت نداشته است. تا هنگام تنظیم این گزارش، هنوز معلوم نبود که همه مدعوین اجلاس هرات، به این دعوت پاسخ مثبت خواهند داد یا نه. آنچه مسلم است، این است که ترتیب دهندگان نشست مزبور، از همه طرف‌های ذریع برای شرکت در گرد همایی هرات دعوت به عمل نیاورده‌اند. از جمله، ژنرال دوستم رهبر شبه نظامیان ازبک، به اجلاس هرات دعوت نشده است. برهان‌الدین ربانی رئیس‌جمهور و گلبدین حکمت یار نخست‌وزیر اسمی افغانستان، در زمره مدعوینند و آمادگی خود را برای آمدن به هرات اعلام کرده‌اند، اما هنوز معلوم نیست به این قول خود وفا خواهند کرد یا نه.

فکر تشکیل یک نشست جدید

صلح، در برخی استان‌های غرب و جنوب غربی افغانستان پا گرفته است. در این استان‌ها، چند ماه است که آرامش حکمفرماست. در حالی که در آغاز ابتکار جدید صلح، اغلب نیروهایی که در نبردهای کابل بیطرف مانده‌اند، با بدبینی به چشم‌انداز امکان ایجاد توافق بین طرف‌های درگیر جنگ می‌نگریستند و تنها هفت استان حاضر به همکاری در ترتیب دادن نشست صلح بودند، به تدریج نیروهای هر چه بیشتری به

این ابتکار پیوسته‌اند، و اکنون مجموعاً ۱۲۵ استان با آن همکاری می‌کنند. ترتیب دهندگان این اقدام، در چند کنفرانس تدارکاتی، یک طرح صلح تهیه کرده‌اند که در هرات به شرکت کنندگان در اجلاس ارائه خواهند کرد. این طرح، شامل جزئیات یک دوره گذار ۹ ماهه است که باید به تشکیل "گروه جرگه"، یعنی عالی‌ترین مجمع نمایندگان اقوام و قبایل افغانی، بیانجامد. از جمله وظایف لویه



دوسال پس از پیروزی مجاهدین، کابل به ویرانه‌ای تبدیل شده است.

کنگره فوق‌العاده حزب سوسیالیست، نامزد این حزب برای احراز پست نخست‌وزیری را تعیین کند. به نظر می‌رسد هورن رهبر حزب عهده‌دار این وظیفه شود. هورن در روز انتخابات تأکید کرد که کشورش کماکان به سرمایه‌گذاری‌های خارجی نیازمند است. وی افزود مهمترین وظایف دولت جدید عبارتند از کاستن از کسربودجه و کاهش بدهی‌های خارجی. به گفته هورن، مجارستان با داشتن یک دولت سوسیالیست نیز به تلاش برای عضویت در اتحادیه اروپا و ناتو ادامه خواهد داد. رهبر سوسیالیست‌های مجارستان خاطر نشان کرد که دشواری‌های اصلی این حزب، از روز عهده‌دار شدن مجدد مسئولیت دولت، آغاز می‌شود، و افزود این دشواری‌ها بدون اعتماد و کمک غرب برطرف نخواهند شد. با انتخابات اخیر مجارستان، این کشور نیز به آن دسته از کشورهای اروپای شرقی پیوست که در آنها، احزاب فراروییده از احزاب کمونیست سابق، پس از شکست‌های اوایل این دهه، اکنون یار دیگر نفوذ خود می‌افزایند. البته نباید فراموش کرد که هیچ‌یک از این احزاب، درصداً احیای نظام سابق نیستند. برنامه اقتصادی - اجتماعی این احزاب، حاوی "اقتصاد بازار با سمت‌گیری اجتماعی" است که از الگوهای سوسیال دموکراتیک غرب اروپا پیروی می‌کند. مردم شماری از کشورهای سوسیالیستی سابق، با تجارب تلخی که در سال‌های اخیر در جریان گذار به نظام سرمایه‌داری کسب کرده‌اند، امیدوارند که

ادامه در صفحه ۱۱

جرگه، تکمیل روند مصالحه و توافق بر روی یک قانون اساسی جدید است. رئیس تونسی هیأت ویژه سازمان ملل برای امور افغانستان، که طی آخرین دیدار خود از این کشور، سه روز را نیز در هرات به سربرد، از طرح ارائه شده استقبال کرد، آن را عملی دانست و گفت بررسی این طرح صرفاً به همین دلیل که نیمی از افغانستان از

ادامه در صفحه ۱۱

هفته گذشته به درخواست دولت مصر شورای امنیت سازمان ملل به بررسی جنگ داخلی یمن پرداخت و از طرفین خواست به درگیری‌ها پایان دهند. با این حال، دولت یمن شمالی اعلام کرده است که جنگ داخلی این کشور، یک مسئله داخلی یمن است و ربطی به سازمان ملل ندارد. وزیر خارجه دولت صنعا، مذاکرات شورای امنیت درباره یمن را مداخله در امور داخلی این کشور خواند و گفت چنین مداخله‌ای، یک بدعت خطرناک در تاریخ سازمان ملل خواهد بود.

پارلمان یمن شمالی، اعلام استقلال یمن جنوبی را غیرقانونی اعلام کرده و رهبران یمن جنوبی را متهم به خیانت نموده است. هریک از طرف‌های جنگ داخلی، اعلام کرده است که حاضر به مذاکره با

اروپای شرقی به سوی چپ حرکت می‌کند

سوسیالیست‌ها اکثریت را در پارلمان مجارستان به دست آوردند

فردی به مرحله دوم موکول شد. در مرحله دوم، همه کاندیداهایی که در مرحله نخست، حداقل ۱۵ درصد آراء را به خود اختصاص داده بودند، شرکت داشتند. در این مرحله، برخلاف مرحله اول تنها اکثریت نسبی برای راه یافتن به

اروپای شرقی به سوی چپ حرکت می‌کند

اروپای شرقی به سوی چپ حرکت می‌کند

اروپای شرقی به سوی چپ حرکت می‌کند

فردی به مرحله دوم موکول شد. در مرحله دوم، همه کاندیداهایی که در مرحله نخست، حداقل ۱۵ درصد آراء را به خود اختصاص داده بودند، شرکت داشتند. در این مرحله، برخلاف مرحله اول تنها اکثریت نسبی برای راه یافتن به

اروپای شرقی به سوی چپ حرکت می‌کند

اروپای شرقی به سوی چپ حرکت می‌کند

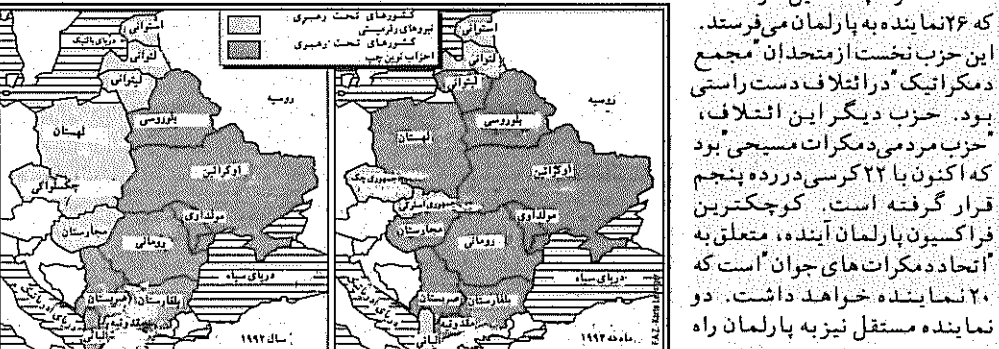
اروپای شرقی به سوی چپ حرکت می‌کند

فردی به مرحله دوم موکول شد. در مرحله دوم، همه کاندیداهایی که در مرحله نخست، حداقل ۱۵ درصد آراء را به خود اختصاص داده بودند، شرکت داشتند. در این مرحله، برخلاف مرحله اول تنها اکثریت نسبی برای راه یافتن به

اروپای شرقی به سوی چپ حرکت می‌کند

اروپای شرقی به سوی چپ حرکت می‌کند

اروپای شرقی به سوی چپ حرکت می‌کند



اروپای شرقی به سوی چپ حرکت می‌کند

اروپای شرقی به سوی چپ حرکت می‌کند

اروپای شرقی به سوی چپ حرکت می‌کند

اروپای شرقی به سوی چپ حرکت می‌کند

اروپای شرقی به سوی چپ حرکت می‌کند

اروپای شرقی به سوی چپ حرکت می‌کند

اروپای شرقی به سوی چپ حرکت می‌کند

اروپای شرقی به سوی چپ حرکت می‌کند

اروپای شرقی به سوی چپ حرکت می‌کند